

نرخ بیکاری پارسال ۱۲/۱ درصد اعلام شد

نتایج طرح آماریگری نیروی کار سال ۱۳۹۶ منتشر شد و در آن بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۰ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۱۲/۱ درصد از جمعیت فعال (شاغل) و بیکار بوده‌اند.

بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری طی سال ۱۴۰۳ درصد کاهش یافته است.

به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران، پارسل ۲۰۴۳ درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به سال قبل از ۱۵ تا ۲۹ ساله نشان می‌دهد این نرخ نسبت به سال قبل از ۶ آن درصد کاهش یافته است.

تعداد شاغلین هم در سال ۱۳۹۶ به ۳۳ میلیون و ۳۷۸ هزار و ۶۱۳ نفر رسید که نسبت به سال قبل از آن ۷۹۰ هزار و ۵۶۱ نفر افزایش یافته است. طبق این بررسی نسبت اشتغال سال ۹۶ به ۳۵/۵ درصد رسید که نسبت به سال ۱۳۹۵ افزایش ۰/۱ درصدی داشته است.

بررسی سهم اشتغال ناقص هم نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۶ حدود ۱۰ درصد جمعیت شاغل، به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری، نا تکرید کار یا ساعت کمتر و…) کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند، در حالی است که ۳۸/۸ درصد از شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر ۲۹ ساعت و بیشتر در هفته کار کرده‌اند.

بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۶ بخش خدمات با ۵۰/۲ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۲۲ درصد و کشاورزی با ۱۷/۶ درصد قرار دارند.

کریدور ترانزیتی پاکستان

ایران و ترکیه راه اندازی خواهد شد

خط ترانزیتی و کریدور منطقه

ای حمل و نقل بین پاکستان، ایران

و ترکیه راه اندازی می شود.

دکترعباس احمد اخوندی

وزیر راه و شهرسازی که در صدد

حی هیات ۲۰ نفره از مقامات

حمل و نقل کشور به پاکستان سفر

کرده بود، در گفت‌گشت به تهران با

اعلام این مطلب گفت:در دید سفر

برای گسترش مسیرهای ترانزیت

و جنبه و چند جانبه با مسئولان

پاکستانی ملاک و مقرر شد که با

همکاری متگروه خط ترانزیتی سه

جنبه راه ترانزیتی خوانند.

وی خاطر نشان کرد، همچنین

مقرر شد که قطارهای با کیفیتی در

مسیر ریلی ایران، پاکستان و ترکیه

برای گسترش ترانزیت و حمل و

نقل یار راه اندازی شود.

خوندی گسترش همکاری در

زمینه نوسازی راه‌های قدیمی شهری،

تبادل استاد و دانشجو و افزایش

همکاری ها در حوزه گردشگری

و نیز توسعه همکاری ها با کشورهای

همسایه و با دیگر کشورهای هم‌مرز

سفرش به پاکستان و شهرهای

اسلام آباد، کراچی و لاهور عنوان

کرد.

مجلسین توافق کرده اند، همچنین

پروازهای منطقه ای بین شهرهای

ایران و پاکستان برقرار شود. به

صورت که مسافران پاکستان از مبدأ

به چابهار، زاهدان، ایرانشهر یا زابل

عبرت کرده و از این مسیرها با

خطوط هوایی به دیگر مقاصد خود

سفر کنند.

آخوندی گفت: با توجه به

اینکه سابقه بیش از ۲۰۰ هزار زائر

از پاکستان به ایران سفر کرده و

از کشورمان به عتبات عالیات یا

مشهد عزیمت می کنند، پیشنهاد

بقیه از صفحه اول

به دست برخی افراد سودجو آسیب ببیند.

آقای جهانگیری از بانک مرکزی خواست با ایجاد

حساب سپرده گذاری سه هابند سپرده گذاری ارزانی

در بانک که افزایش لازم را انجام دهد تا مردم بتوانند

با سپرده گذاری طلا و سکه نزد بانک ها سود این

سپرده گذاری‌ها را هم دریافت کنند.

رئیس کل بانک مرکزی هم با اشاره به میزان پیش

فروش سکه و استقبال مردم در روزهای اخیر گفت:

برای از بین بردن حباب قیمت در بازار طلا و سکه

بانک مرکزی به پیش فروش سکه ادامه خواهد داد.

در این جلسه که وزرای امور اقتصادی و دارایی؛

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و صنعت، معدن

و تجارت و رؤسای سازمان برنامه و بودجه و بانک

مرکزی و معاون اقتصادی رئیس جمهوری و دستیار

ارشد اقتصادی رئیس جمهوری حضور داشتند. درباره

نحوه عرضه و قیمت سکه در بازار و تخصیص ما به

تفاوت واردات دارو و کالاهای اساسی بحث و تبادل

نظر و تصمیمات اتخاذ شد.

در این جلسه همچنین مقرر شد قیمت دارو با

توجه به پرداخت ما به تفاوت ۴۰۰ تومانی به ازای

هر دلار برای واردات دارو افزایش پیدا نکند.

دیگر خبر حاکیست: سخنگوی بانک مرکزی

اعلام کرد تا اطلاع بعدی، خرید و فروش نقدی

اسکناس ارزهای خارجی در صرافی‌ها انجام خواهد

شد.

محمدعلی کریمی‌ی در مصاحبه با خبرگزاری

صداوسیمبا با اشاره به اینکه این بانک با رصد نیازهای

مسه گروه ها، ارز مورد نیاز را از طریق بانک های

عاملین تامین اعتبار می کند، تقاضای عمده ارز را از

محل واردات دانست که باید پس از ثبت سفارش از

طریق بانک انجام شود و در عین حال درباره تامین

نیازهای خود افزود: ارز مسافرتی از طریق بانک های

ملی و سامان و ارزهای دانشجویی و درمانی هم از

طریق بانک های تجارت و سامان پرداخت می شود

تا از رهگذر آن با شناسایی و رصد نیازها، ارز به

مقتضایان واقعی ارز تخصیص یابد.

وی با بیان اینکه بانک مرکزی پارسل ۴۸ میلیارد

دلار از بانکهای خرد افزود: ارز مسافرتی برای واردات رسمی کشور

تامین اعتبار کرد، گفت: بقیه هم از محل درآمد صادرات

غیرنفتی صرف واردات شد که طبق سیاست های

جدید، صادرکنندگان غیرنفتی مکلف شدند ارزشان را

برای ایفای نقش در واردات تجارت خارجی کشور

اختصاص دهند.

سخنگوی بانک مرکزی ادامه داد: در این باره بانک

مرکزی سامانه نظام یکپارچه مدیریت ارزی (نیم) را راه

اندازی کرد تا صادرکنندگان غیرنفتی با عرضه درامدشان

در این مسیر، آن را مستقیم در خدمت واردات کالاهای

ضروری مردنیاز کشور قرار دهند.

وی تصریح کرد: از سوی بانک های عامل

و صرافی‌های مجاز با خرید ارز صادرکنندگان می

توانند آن را در اختیار واردکنندگان قرار دهند که

این موجب پخش نقدی به مدیریت کل درآمدی

غیرنفتی می شود.

امیسرده با بیان اینکه پیشش از این حجم قابل

توجهی از واردات کشور از طریق بدون ثبت سفارش

با ثبت سفارش به غیر از نظام بانکی صورت می

گرفت، گفت: طبق سیاست های جدید، محوریت کار

از طریق بانک انجام می شود و نمی توان در این

باره نقش بانک ها را نادیده گرفت.

از افزود: از موارد دیگری که تعیین تکلیف شده

این استست که واردکنندگانی که پیش از مهیوه اخیر

۲۱ فروردین اسمال کشایش اعتبار ریاا و حواله شان

را ارائه کرده اند و منتظر وارد شدن کالایشان هستند،



معاون اول رئیس جمهوری در ستاد اقتصادی دولت خواستار ایجاد حساب سپرده گذاری سکه در بانک ها شد.

با نرخ های قبلی می توانند اقدام به واردات کنند، اما اگر کالا در موعد مقرر وارد نشود، طبق شرایطی با دلار ۴۲۰۰ تومان ارز در اختیار اینگونه واردکنندگان قرار می گیرد.

به گفته کریمی، در روزهای تعطیل پیشین جلاست متعددی به میزبان بانک مرکزی برگزار شد که در آن ضوابط، آیین نامه ها و دستورالعمل های منطبق با سیاست جدید ارزی تدوین شد که رصد و احصای نیازهای واقعی ارزی کشور در ۳۳ بند بود که در اطلاعیه های هفت تا ۱۱ بانک مرکزی اعلام شد.

مدیرکل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی هم گفت: به دلیل قاچاق ارز، تراز تجاری کشور مثبت بوده اما حساب سرمایه منفی است. مدیر کل سیاست‌ها و مهدی کسریایی پسر در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما افزود:برنامه جدید ارزی دولت محدودیت منابع ارزی نیست بلکه مدیریت بهتر در ارتباط منابع با مصارف است.

وی گفت: بانکها می‌توانند سپرده‌های ارزی سپرده گذاران خود را برای یورو با نرخ سود سه درصد و دلار با نرخ سود چهار درصد در سال در بانک مرکزی سپرده گذاری کنند.

مدیر کل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی درباره ارز مسافرتی هم افزود: ۱۰۰۰ یورو برای یک بار در سال به کشورهای دور و ۵۰۰ یورو برای یک سفر در سال برای کشورهای نزدیک با قیمت ۴۲۰۰ تومان

در نظر گرفته شده است. این سهم فعلا فقط برای یک بار در سال در نظر گرفته شده است.

وی درباره اختصاص یافتن ارز ۴۲۰۰ تومانی در موزهای زمینی افزود: این مسئله به امکانات مبادی

خروجی کشور باز می‌گردد و اکنون این ساز و کار کنترل‌ی فقط در ششش فرودگاه دایر است.اما در آینده برای مرزهای زمینی و دریایی هم تمهیداتی انجام می‌شود.

کسریایی پور درباره ارز مربوط به فرصت‌های مطالعاتی افزود: درخواست کنندگان باید مستندات خود از وزارت علوم دریافت و به بانک عامل تحویل ۲۱ فروردین اسمال کشایش اعتبار ریاا و حواله شان را ارائه کرده اند و منتظر وارد شدن کالایشان هستند،

این کارشناس گفت: بسا مقررات جدید ارزی سرمایه‌ها کنترل می‌شود و نقش اصلی نقل و انتقال منابع ارزی به بانک‌ها باز می‌گردد و صرافی‌ها نقش محدود خود را ایفا خواهند کرد.در عین حال مقررات جدید ارزی قاچاقچا کالا را کاهش می‌دهد و بازار نقد ارزی را که پس از تحریم‌ها ایجاد شده بود، محدود می‌کند.

وی با اشاره به اینکه در دنیا بازار نقد بخش کوچکی از بازار ارز را تشکیل می‌دهد، افزود: بانک مرکزی در سیاست گذاری ارزی برای جدا کردن نرخ تورم از نوسانات ارز موفق بوده است.

زمان زاده گفت:دو سال ۹۰ نرخ ارز ۱۲۲۶ تومان

اعلام شد که بسیار پایین‌تر از نرخ بازار بود، بنابراین دولت در آن سالال ۱۸ میلیارد دلار از ذخایر ارزی را برای حمایت از این نرخ وارد بازار کرد که نتیجه آن خالی شدن دست بانک مرکزی از ذخایر ارزی در سال ۹۱ بود. با توجه به این تجربه، بانک مرکزی اکنون هرگز به سمت این سیاست‌ها نخواهد رفت.

وی گفتست: به زودی دلار از مبالغات اقتصادی کشور کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

کاهش کار گذاشته می‌شود و زمینه‌های آن مدت هاست

در حال ایجاد است.

از سوی دیگر مدیرعامل بانک سامان گفت:

اششاره: بخش نخست گفتگوی حاضر به اینجا رسید که فیلسوفان اسلامی تعالی‌اندیش بوده‌اند و مطلقاً آسمانی دانسته‌اند؛ ولی هگل «تعالی» را امری انتراضی می‌داند و مطلق را در زمین جستجو می‌کند، چگونگی می‌توان در میان این دو مطلق گذراند؟ و او کشیده است که کتابش در جانب فیلسوفان اسلامی را بگیرد و نه خواسته است از هگل جایباری کند. اینکه دنیا بدست ما نیست و به ما داده شده است، یکی دیگر از نکات مطرح کردنی در باره نقش و جایگاه مؤلف و بانی گفتگو میان این دو سنت فلسفی، مسئلهٔ انسان است. اگر زان یونانی و لاتین صرف نظر کنیم، به طور مشخص با سه سازگار آمده‌ایم و عربی و امروزی هرستیم. شما چگونه با این موضوع مواجه شدید؟ «ملا وقتی از اتحاد عاقل و معقول» سخن می‌گوییم و بعد از «حدت سوره و ایزد» در فلسفه هگل، آیا عاقل همان سوره و معقول همان ایزد هگلی است؟ این مثال فقط یکی از چندین و چند نمونه‌ای است که ممکن است در چالش برآمده از ابهامات زبانی گرفتارش شد.

دو سنت فلسفهٔ اسلامی و فلسفهٔ مغرب زمین صرف‌نظر از مسئلهٔ زبان که امری شبان توجه است، از اهتمام جدی داشته باشیم و همچنین فلسفهٔ مغرب‌زمین از یونانی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. بحث اتحاد عاقل و معقول از مسائل مهم فلسفی بوده است که در عصر جدید شیوه‌ای تازه مطرح شده است. این اثر در عین توجه به مبانی اندیشهٔ تجدد، کشیده است تا از اتحاد عاقل و معقول به عنوان مادهٔ گفتگو بهره‌برداری کند. با توجه به توضیحاتی که تا اینجا داده‌اید، لطفاً چمن‌بندی کنید که دست‌کم امکانات فلسفی لازم برای برقراری چنین گفتگویی میان دو سنت فلسفی به طور عام و هگل و فیلسوفان اسلامی به طور خاص چیست؟ و همچنین به کلیدوازهٔ بعدی که در عنوان کتاب آمده یعنی «فیلسوفان اسلامی» بپردازید. ابتدا بگویید اشارهٔ شما به همهٔ فیلسوفانی اسلامی است یا صرفاً به دو یا سه فیلسوف مشخص می‌خواهید؟

در این رویکرد باید به فلسفهٔ اسلامی و متون اصلی آن از فارابی تا صدرالمعالیین و اندیشمندان بعد از وی اهتمام جدی داشته باشیم و همچنین فلسفهٔ مغرب‌زمین از یونان و قرون وسطی و به‌ویژه فلسفهٔ عصر جدید را تا حد ممکن بشناسیم و لاتخص با ایده‌آلیسم آلمانی که کلید مهم گفتگو است. بحث فلسفی به طور عام و هگل و فیلسوفان اسلامی به طور خاص چیست؟ و همچنین به کلیدوازهٔ بعدی که در عنوان کتاب آمده یعنی «فیلسوفان اسلامی» بپردازید. ابتدا بگویید اشارهٔ شما به همهٔ فیلسوفانی اسلامی است یا صرفاً به دو یا سه فیلسوف مشخص می‌خواهید؟

در این رویکرد باید به فلسفهٔ اسلامی و متون اصلی آن از فارابی تا صدرالمعالیین و اندیشمندان بعد از وی اهتمام جدی داشته باشیم و همچنین فلسفهٔ مغرب‌زمین از یونان و قرون وسطی و به‌ویژه فلسفهٔ عصر جدید را تا حد ممکن بشناسیم و لاتخص با ایده‌آلیسم آلمانی که کلید مهم گفتگو است. بحث فلسفی به طور عام و هگل و فیلسوفان اسلامی به طور خاص چیست؟ و همچنین به کلیدوازهٔ بعدی که در عنوان کتاب آمده یعنی «فیلسوفان اسلامی» بپردازید. ابتدا بگویید اشارهٔ شما به همهٔ فیلسوفانی اسلامی است یا صرفاً به دو یا سه فیلسوف مشخص می‌خواهید؟

نخست‌ پنداشت که ملاصدرا و هگل قدیمی‌اند. این تعبیر موجب سوءتفاهم می‌شود. در فلسفه اصطلاح «قدیمی» معنا ندارد. فلسفه مانند فیزیک نیست که پیشرفت‌های اخیرش گاهی ناسخ‌نظریه‌های گذشته است. فیلسوفان به هستی اندیشیده‌اند و ابوابی را گشوده‌اند که پیوسته می‌توانیم از آنها بهره بجویم

مشکل از تمام اندیشمندان مسلمان امم از فیلسوف، متکلم و عرفا است؟

منظور از فلسفهٔ اسلامی، فلسفه‌ای است که در آثار فارابی و سپس ابن‌سینا پایه‌گذاری شده است و به‌رغم تفاوت‌هایی که در میان نمایندگان آن وجود دارد، روحی واحد بر همهٔ آنها حکم است و آن «و توحید» و «وحی اسلامی» است که این فیلسوفان به مدد آن و در پرتو آن اندیشیده‌اند. در این اثر، متکلمان و عرفان مسلمان در زمرهٔ فیلسوفان اسلامی نامده‌اند و در اصل به سنت فیلسوفان پرداخته شده است.

در کتاب پیش از همه به آرای ملاصدرا توجه شده است، حتی می‌توان گفت که این اثر در اصل گفتگوی میان ملاصدراست. آیا شما بر این باورید که جایگاه ملاصدرا در تاریخ فلسفهٔ اسلامی مثابه جایگاه هگل در تاریخ اندیشهٔ غربی است؟ گفت شما به ملاصدرا، آیا صرفاً به این خاطر است که آخرین فیلسوف بزرگ اسلامی است و طبعاً به زمانهٔ ما نزدیک است؟ یا به این پوست که نسبت به دیگر فیلسوفان در سدهٔ فلسفی او پیشرفت شایع‌تر را به هگل دارد و در واقع امکانات فلسفهٔ او برای این مواجهه از دیگر فیلسوفان اسلامی غنی‌تر است؟ اگر ممکن است به‌طور خلاصه به اصلی‌ترین سرزندهای در فلسفهٔ صدرا اشاره کنید که این استعداد را دارد و شما در کتابتان به آنها پرداخته‌اید.

در این اثر تقریباً از پانزده فیلسوف اسلامی از ابن-سینا تا استادان معاصر فلسفهٔ اسلامی سخن به میان آمده

است؛ ولی محور مباحث، آرای صدرالمعالیین بوده است. صدرالمعالیین از یک سوی مابعدالطبیعه را در فلسفهٔ اسلامی به کمال خود رسانده است و فیلسوفان بعدی، غالباً از وی تبعیت کرده‌اند و از سوی دیگر چون به فیلسوفان و متکلمان قبل از خود پرداخته است و آرای آنها را نقد و بررسی کرده است، زمینه‌های مناسبی در اندیشهٔ او برای تفسیرهای تازه پدید آمده است و به همین جهت امکاناتی برای گفتگوهای از این دست در اندیشهٔ او نهفته است که می‌توان از آن برخوردار شد.

در حکمت متعالیه مفاهیم برجسته‌ای وجود دارد که زمینه گفتگو را به دست می‌دهد؛ ازجمله: اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، تشکیک وجود، حرکت جوهری، جسمانی‌الحدوث بودن نفس، امکان استعادی، نفس ناطقه، جسم مثالی و فصل اخیر انسانی، حمل حقیقه و رقیقه، واهمه و عقل معطوف به حس و مفاهیم دیگری که هر یک می‌تواند به گفتگویی زنده و مؤثر مدد رساند.

حال به کلیدوازهٔ بعدی یعنی هگل بپردازیم. مقصود شما از هگل کدام هگل است؟ در برداشت- های مختلف از هگل، نه فقط بحث ترجمه و اختلاف زبانی، فرهنگی و تاریخی وجود دارد، بلکه سهرهای آشنایی مسا ایرانیان در دوره‌های مختلف با اندیشهٔ هگل هم متفاوت بوده است و نمی‌توان به نتایج چنین مواجهه‌ای با اندیشهٔ هگل بی‌اعتنا بود. پس شاید خیلی بی‌جا نباشد اگر از شما بپرسیم وقتی می‌گویید هگل، مقصودتان کدام خوانش از هگل است؟

تفسیرهای مختلفی از هگل وجود دارد، در این اثر هگل به عنوان آخرین متاقرینسین تاریخ فلسفه و فیلسوفی که مابعدالطبیعه را به اوج خود رسانده و امکانات نهفته در آن را آشکار کرده، ملاحظه شده است و البته چنان‌که اشاره کردید، فلسفهٔ تجدد نیز در ریشه‌ها با فلسفهٔ هگل مشترک است و همگی از یونان برخاسته است، چندان‌که هگل در جایی گفته است: فیلسوفان در یونان غریب نیستند. اما راهی که در اندیشهٔ اروپایی و بخصوص اندیشهٔ بعد از کانت پیموده شده است، با راهی که فیلسوفان اسلامی پیموده‌اند، تفاوت‌های زیادی دارد که در بیانات کلیی تا حدی به آن اشاره کردم. مابعدالطبیعه هگل روح کتبی مدرنیته و اندیشهٔ تجدد است. بدون فهم هگل نمی‌توان عصر جدید را فهمید. «پدیدارشناسی روح»، شرح مبسوط منظومهٔ غربی است که از یونان آغاز شده و در قرن نوزدهم به اوج بلوغ خود رسیده است.

در گفتگوشا کتابت، هگل را نمایندهٔ **تام‌الاختیار اندیشهٔ غربی** می‌داند. می‌توان گفت: هگل در این عبارت چند پرسش به ذهن متبادر می‌کند: نخست اینکه آیا اندیشه و اندیشیدن اساسا شرقی – غربی دارد؟ و اگر بله، این تفکیک دقیقاً به چه معناست؟ دوم اینکه اگر اندیشه شرق و غرب نداشته باشد و هگل هم به‌درستی فیلسوفی جامع‌الاطراف باشد و همین‌طور درستی محتوای فلسفهٔ او را قبول کنیم و مانند شما در کتاب پدیریم که مابعدالطبیعه در فلسفهٔ او به کاملترین صورت ممکن رسیده است، آیا نمی‌توان گفت فلسفهٔ اسلامی هم مانند فلسفهٔ مسیحی در قرون‌وسطی (به‌خصوص که هر دو ریشه‌های مشترک یونانی دارند)، در روند تکاملی و دلبستگی تاریخ اندیشه، بخشی از همین سیر تکاملی است که در نهایت در اندیشهٔ هگل به کمال می‌رسد و بنابراین از اساس دیگر گفتگویی حقیقی در میان نخواهد بود، چون دو واقع دوگانگی بنیادنی در کار نیست؟

این که آیا اندیشیدن شرق و غرب دارد یا نه، باید اذعان کنیم که دارد. اندیشهٔ شرقی و غربی نسبت‌های متفاوتی با هستنی داشته‌اند و البته مراد از «شرق»، اندیشهٔ شرق دور است و فیلسوفان اسلامی را نمی‌توان شرقی دانست. فلسفهٔ اسلامی نیز ریشه در یونان دارد و با تصرف در مبانی فلسفهٔ یونانی پدید آمده است؛ اما همچنان مابعدالطبیعه بوده و هست. درحالی که اندیشهٔ شرقی را نمی‌توان مابعدالطبیعه دانست. مابعدالطبیعه در مسیر توحید و احدی اسلامی با صدرالمعالیین به صورت کامل خود رسیده است و در مغرب زمین و ذیل مسیحیت پروتستان در هگل به کمال خود دست یافته است.

اما اینکه اندیشه‌ها را دسته‌بندی کنیم و هر یک را در جایی قرار دهیم و بعضی را بایگانی کنیم و با برجسب‌های جور واجور از دور خارج کنیم، با تفکر مناسبتی ندارد و بیشتر با ایدئولوژی میخواند است. رسالهٔ دکتری کارل مارکس دربارهٔ اپیکور بود و رسالهٔ دکتری مارتین هایدگر دربارهٔ دوتس اسکوتوس نوشته شد و پیوسته به ارسطو رجوع می‌کرد و به‌یادیسسن به فیلولو افلاطون‌اندیشیده بود و گادامر نیز همین‌طور و مانند آنها کم نیستند. هگل خود فیلسوفی پساکانتی است. و کانت عصر روشنگری را «عصر بلوغ عقل و آزادی» دانسته و گذشتگان را به‌مجهور خوانده است. اما هگل می‌گوید: «فلسفه یا اسپینوزایی است یا اصلاً فلسفه نیست» پس اندیشهٔ فیلسوفان بزرگ زمین حاصلخیزی است که بزهای فراوان در آن کاشته شده است

زن دلخواهش است که می‌تواند در روان فروشی مرد ثبات و آرامش ایجاد کند. و به عبارتی، دِیو درون مرد را رام کند. این نقش زن در اسطوره‌وها و افسانه‌ها بسیار روشن تصویر شده است. در هراویوکتب، با ناظهریاری به نام «شهریار» برمی‌خوریم که هر شب با زنی هوسرانی می‌کند و صبح‌گاه به راه می‌کشد. در هراویوکتب درد گفته می‌شود و دلایش نیز داده می‌شود. شهریار نهایتاً به زنی می‌رسد به نام شهرزاد که با صبر و شکیبایی، در مدت هزار شب شهریار را که با طبیعت خویش قهر است، آرام‌آرام با قصه‌های زیبا به راه می‌آورد و مردی را که بر اثر بی‌بهره بودن از عشق، به دیو بدل شده است، مجدداً به آدمیت می‌کشاند و سعدی‌وار به او می‌گوید، مگر آدمی نبودی که اسیر دیو گشتی؟! شهرزاد برای رام کردن دیو، از ابزار افسانه استفاده می‌کند؛ گفتگویی که سندهان از زمانهٔ تاریخ نیست، ولی در طلیت یا (زاما) انسان ثبت است، و «تاریخ» بیشترش قصه جنایات گذشتگان است (مانند قصه چنگیز و اشراف افغان و سلطان مسعود) و «افسانه» بیشتر قصه طلیت واقعی انسان‌هاست. برخلاف تاریخ، افسانه‌ها تنها قصه گذشته نیست، بلکه قصه حال و آینده نیز هست. همین‌طور قصه تنها بیان درد نیست، بلکه اثرهٔ دوا نیز هست. افسانه تنها با تاریخ گذشته کار ندارد؛ چون کار اصلی‌اش گزارش نیست، بلکه هادش اصاح است؛ افسانه نمی‌خواهد بگوید چه گذشته، بلکه می‌گوید چه باید بگذرد. درست نیست که قسمتی از تاریخ اجتماعی گذشته ما در هراویوکتب ثبت شده است؛ ولی علت اینکه ما تمام مردم دنیا امروز داستان‌های هراویوکتب را می‌خوانیم، این است که این داستان‌ها وضع حال و آینده ما را نیز ترسیم می‌کنند.

شهرزاد در هراویوکتب نماد جوهر انداخته‌اند. چنگیزخان زنده‌دوست بود و بلکه هزاره بار بود. او هزاران دختر زیبارو را در حرم‌سرا داشت و با آنها هوسرانی می‌کرد و مشغولی در کار مرد. در وقتی ساطم، عاشق زن دوستی و ولی وقتی مرد از طبیعت خود متصرف می‌شود، توانایی عشق‌ورزیدن را از دست می‌دهد. و برای اینکه دیو کیفیت عشق را جبران کند، سعی می‌کند به کمیت بیفزاید و صدها زن را در حرم‌سرا جانشین زن دلخواهی بکند که به او دسترس ندارد. علمای عدم دسترس به این موضوع، مطلوب، کمبود عنصر عشق در مرد است، وگرنه هر زنی که مرد به او عشق بورزد، همان

و برای نسلهای آینده ذخیره شده است. برای بهره‌مندی از اندیشهٔ فیلسوفان باید چشمها را شست و دوباره نظر کرد و از سر طلب و تأمل در آنها نگرست تا ثمراتی فروزن از آنجه پیشتر حاصل شده بود، به دست آید.

پرسش بعدی که عبارت مذکور به ذهن متبادر می‌کند، به کار بردن وصف «تام‌الاختیار» دربارهٔ هگل است. در پیشگفتارنات هگل می‌خوانیم که «آراءهٔ مابعدالطبیعه به کاملترین صورت بررسی کرده است، زمینه‌های مناسبی در اندیشهٔ او برای تفسیرهای تازه پدید آمده است و به همین جهت امکاناتی برای گفتگوهای از این دست در اندیشهٔ او نهفته است که می‌توان از آن برخوردار شد.

زمینه گفتگو را به دست می‌دهد؛ ازجمله: اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، تشکیک وجود، حرکت جوهری، جسمانی‌الحدوث بودن نفس، امکان استعادی، نفس ناطقه، جسم مثالی و فصل اخیر انسانی، حمل حقیقه و رقیقه، واهمه و عقل معطوف به حس و مفاهیم دیگری که هر یک می‌تواند به گفتگویی زنده و مؤثر مدد رساند.

حال به کلیدوازهٔ بعدی یعنی هگل بپردازیم. مقصود شما از هگل کدام هگل است؟ در برداشت- های مختلف از هگل، نه فقط بحث ترجمه و اختلاف زبانی، فرهنگی و تاریخی وجود دارد، بلکه سهرهای آشنایی مسا ایرانیان در دوره‌های مختلف با اندیشهٔ هگل هم متفاوت بوده است و نمی‌توان به نتایج چنین مواجهه‌ای با اندیشهٔ هگل بی‌اعتنا بود. پس شاید خیلی بی‌جا نباشد اگر از شما بپرسیم وقتی می‌گویید هگل، مقصودتان کدام خوانش از هگل است؟

تفسیرهای مختلفی از هگل وجود دارد، در این اثر هگل به عنوان آخرین متاقرینسین تاریخ فلسفه و فیلسوفی که مابعدالطبیعه را به اوج خود رسانده و امکانات نهفته در آن را آشکار کرده، ملاحظه شده است و البته چنان‌که اشاره کردید، فلسفهٔ تجدد نیز در ریشه‌ها با فلسفهٔ هگل مشترک است و همگی از یونان برخاسته است، چندان‌که هگل در جایی گفته است: فیلسوفان در یونان غریب نیستند. اما راهی که در اندیشهٔ اروپایی و بخصوص اندیشهٔ بعد از کانت پیموده شده است، با راهی که فیلسوفان اسلامی پیموده‌اند، تفاوت‌های زیادی دارد که در بیانات کلیی تا حدی به آن اشاره کردم. مابعدالطبیعه هگل روح کتبی مدرنیته و اندیشهٔ تجدد است. بدون فهم هگل نمی‌توان عصر جدید را فهمید. «پدیدارشناسی روح»، شرح مبسوط منظومهٔ غربی است که از یونان آغاز شده و در قرن نوزدهم به اوج بلوغ خود رسیده است.

در گفتگوشا کتابت، هگل را نمایندهٔ **تام‌الاختیار اندیشهٔ غربی** می‌داند. می‌توان گفت: هگل در این عبارت چند پرسش به ذهن متبادر می‌کند: نخست اینکه آیا اندیشه و اندیشیدن اساسا شرقی – غربی دارد؟ و اگر بله، این تفکیک دقیقاً به چه معناست؟ دوم اینکه اگر اندیشه شرق و غرب نداشته باشد و هگل هم به‌درستی فیلسوفی جامع‌الاطراف باشد و همین‌طور درستی محتوای فلسفهٔ او را قبول کنیم و مانند شما در کتاب پدیریم که مابعدالطبیعه در فلسفهٔ او به کاملترین صورت ممکن رسیده است، آیا نمی‌توان گفت فلسفهٔ اسلامی هم مانند فلسفهٔ مسیحی در قرون‌وسطی (به‌خصوص که هر دو ریشه‌های مشترک یونانی دارند)، در روند تکاملی و دلبستگی تاریخ اندیشه، بخشی از همین سیر تکاملی است که در نهایت در اندیشهٔ هگل به کمال می‌رسد و بنابراین از اساس دیگر گفتگویی حقیقی در میان نخواهد بود، چون دو واقع دوگانگی بنیادنی در کار نیست؟

این که آیا اندیشیدن شرق و غرب دارد یا نه، باید اذعان کنیم که دارد. اندیشهٔ شرقی و غربی نسبت‌های متفاوتی با هستنی داشته‌اند و البته مراد از «شرق»، اندیشهٔ شرق دور است و فیلسوفان اسلامی را نمی‌توان شرقی دانست. فلسفهٔ اسلامی نیز ریشه در یونان دارد و با تصرف در مبانی فلسفهٔ یونانی پدید آمده است؛ اما همچنان مابعدالطبیعه بوده و هست. درحالی که اندیشهٔ شرقی را نمی‌توان مابعدالطبیعه دانست. مابعدالطبیعه در مسیر توحید و احدی اسلامی با صدرالمعالیین به صورت کامل خود رسیده است و در مغرب زمین و ذیل مسیحیت پروتستان در هگل به کمال خود دست یافته است.

اما اینکه اندیشه‌ها را دسته‌بندی کنیم و هر یک را در جایی قرار دهیم و بعضی را بایگانی کنیم و با برجسب‌های جور واجور از دور خارج کنیم، با تفکر مناسبتی ندارد و بیشتر با ایدئولوژی میخواند است. رسالهٔ دکتری کارل مارکس دربارهٔ اپیکور بود و رسالهٔ دکتری مارتین هایدگر دربارهٔ دوتس اسکوتوس نوشته شد و پیوسته به ارسطو رجوع می‌کرد و به‌یادیسسن به فیلولو افلاطون‌اندیشیده بود و گادامر نیز همین‌طور و مانند آنها کم نیستند. هگل خود فیلسوفی پساکانتی است. و کانت عصر روشنگری را «عصر بلوغ عقل و آزادی» دانسته و گذشتگان را به‌مجهور خوانده است. اما هگل می‌گوید: «فلسفه یا اسپینوزایی است یا اصلاً فلسفه نیست» پس اندیشهٔ فیلسوفان بزرگ زمین حاصلخیزی است که بزهای فراوان در آن کاشته شده است

زن دلخواهش است که می‌تواند در روان فروشی مرد ثبات و آرامش ایجاد کند. و به عبارتی، دِیو درون مرد را رام کند. این نقش زن در اسطوره‌وها و افسانه‌ها بسیار روشن تصویر شده است. در هراویوکتب، با ناظهریاری به نام «شهریار» برمی‌خوریم که هر شب با زنی هوسرانی می‌کند و صبح‌گاه به راه می‌کشد. در هراویوکتب درد گفته می‌شود و دلایش نیز داده می‌شود. شهریار نهایتاً به زنی می‌رسد به نام شهرزاد که با صبر و شکیبایی، در مدت هزار شب شهریار را که با طبیعت خویش قهر است، آرام‌آرام با قصه‌های زیبا به راه می‌آورد و مردی را که بر اثر بی‌بهره بودن از عشق، به دیو بدل شده است، مجدداً به آدمیت می‌کشاند و سعدی‌وار به او می‌گوید، مگر آدمی نبودی که اسیر دیو گشتی؟! شهرزاد برای رام کردن دیو، از ابزار افسانه استفاده می‌کند؛ گفتگویی که سندهان از زمانهٔ تاریخ نیست، ولی در طلیت یا (زاما) انسان ثبت است، و «تاریخ» بیشترش قصه جنایات گذشتگان است (مانند قصه چنگیز و اشراف افغان و سلطان مسعود) و «افسانه» بیشتر قصه طلیت واقعی انسان‌هاست. برخلاف تاریخ، افسانه‌ها تنها قصه گذشته نیست، بلکه قصه حال و آینده نیز هست. همین‌طور قصه تنها بیان درد نیست، بلکه اثرهٔ دوا نیز هست. افسانه تنها با تاریخ گذشته کار ندارد؛ چون کار اصلی‌اش گزارش نیست، بلکه هادش اصاح است؛ افسانه نمی‌خواهد بگوید چه گذشته، بلکه می‌گوید چه باید بگذرد. درست نیست که قسمتی از تاریخ اجتماعی گذشته ما در هراویوکتب ثبت شده است؛ ولی علت اینکه ما تمام مردم دنیا امروز داستان‌های هراویوکتب را می‌خوانیم، این است که این داستان‌ها وضع حال و آینده ما را نیز ترسیم می‌کنند.

شهرزاد در هراویوکتب نماد جوهر انداخته‌اند. چنگیزخان زنده‌دوست بود و بلکه هزاره بار بود. او هزاران دختر زیبارو را در حرم‌سرا داشت و با آنها هوسرانی می‌کرد و مشغولی در کار مرد. در وقتی ساطم، عاشق زن دوستی و ولی وقتی مرد از طبیعت خود متصرف می‌شود، توانایی عشق‌ورزیدن را از دست می‌دهد. و برای اینکه دیو کیفیت عشق را جبران کند، سعی می‌کند به کمیت بیفزاید و صدها زن را در حرم‌سرا جانشین زن دلخواهی بکند که به او دسترس ندارد. علمای عدم دسترس به این موضوع، مطلوب، کمبود عنصر عشق در مرد است، وگرنه هر زنی که مرد به او عشق بورزد، همان

نظرها و اندیشه‌ها

هم مرسوم است: اما وقتی مسئله و دغدغهٔ اصلی، «معاصرت» باشد و بخواهیم نسبت‌مان را با مسائل زمانه مشخص کنیم، به نظر می‌رسد برای آزمون این معاصرت، صرفاً به سراغ یکی دو فیلسوف قدیمی رفتن و تقلیل مسئله به بحثهای متافیزیکی نه کافی است و نه راهگشا. نظراتن دربارهٔ این نوع از نگاه و چنین موضعی‌های چپیت؟

نخست‌ پنداشت که ملاصدرا و هگل قدیمی‌اند. این تعبیر قدیمی موجب سوءتفاهم می‌شود. در فلسفه، اصطلاح «قدیمی» معنا ندارد. فلسفه مانند علم فیزیک نیست که پیشرفت‌های اخیرش گاهی ناسخ نظریه‌های گذشته است. در فلسفه ناسخ و منسوخ بی‌معناست. فیلسوفان به هستی اندیشیده‌اند و در اندیشهٔ خود ابوابی را گشوده‌اند که پیوسته می‌توانیم از آنها ورود به عرصهٔ تفکر از آنها بهره بجویم و این اثر تلاشی در همین جهت است. این اثر یک تحقیق آکادمیک نیست، بلکه تلاشی است برای به سخن آوردن مجدد سستی که در جهان امروز از گویش بازمانده است و

هگل و فیلسوفان اسلامی

نخست‌ پنداشت که ملاصدرا و هگل قدیمی‌اند. این تعبیر موجب سوءتفاهم می‌شود. در فلسفه اصطلاح «قدیمی» معنا ندارد. فلسفه مانند علم فیزیک نیست که پیشرفت‌های اخیرش گاهی ناسخ نظریه‌های گذشته است. در فلسفه ناسخ و منسوخ بی‌معناست. فیلسوفان به هستی اندیشیده‌اند و در اندیشهٔ خود ابوابی را گشوده‌اند که پیوسته می‌توانیم از آنها ورود به عرصهٔ تفکر از آنها بهره بجویم و این اثر تلاشی در همین جهت است. این اثر یک تحقیق آکادمیک نیست، بلکه تلاشی است برای به سخن آوردن مجدد سستی که در جهان امروز از گویش بازمانده است و

مشکل از تمام اندیشمندان مسلمان امم از فیلسوف، متکلم و عرفا است؟



به زاویه رانده شده است. اکنون ما در زمانه‌ای هستیم بسا جوامع پیچیده (مثل کلاشهرهای چندملیتی و چندجنسیتی)، مسائل چندوجهی و پیچیده (مثل مسئله بحران محیط‌زست)، دانش‌های بین رشته‌ای و پیچیده (مثل علوم شناختی) و حتی ندیاهای چندوجهی و مسواری با واقعیت (مثل دنیسای مجازی و اینترنت)، حال در چنین زمانه‌ای، توجه و انتخاب فیلسوفانی مانند هگل که تقریباً دوپست سال و با ملاصدرا که حدود چهارصد سال پیش می‌زیسته‌اند، آن هم به قصد آزمون معاصرت و مواجهه با اندیشهٔ غربی، آیا واقعاً بی‌توجهی به جریان‌های فکری و مسائل ما در دنیای معاصر نیست؟

به نکتهٔ بنسیرا مهمی اشاره فرمودید. امروز جهان با مسائل تازه‌ای روبروست که به منخيلة هگل و ملاصدرا نیز خطور نمی‌کرده است و طبعاً در گفتگویی میان آنها نیز مطرح نمی‌شود. پس این گفتگو در حالت کلی این رویکرد چه دخلی به این مسائل دارد و چگونه می‌تواند به دغدغهٔ معاصرت پاسخ دهد؟

کانت دربارهٔ این موضوع که «فلسفه چیست»، بحث مشروحی دارد و حاصل سخش این است که تعلیم اندیشه‌ها و اینکه آرا و افکار فیلسوفان را فراگیریم و بتوانیم آنها را بیان کنیم، آموزش دهیم، واقعاً فلسفهٔ نیست.

که مردم را از شر ضحاک خلاص کند. ولی چون راحل او بر عشق استوار نیست، خشونت از بین نمی‌رود و همان ضحاک، به فریودن سر به ضحاک زد، بعد از یک نسل به دست پسرش تور بر سر پسر دیگرش ایرج فرود می‌آید و این برادرکشی، به جنگهای خونین تورانیان و ایرانیان می‌انجامد و خون سیاوش‌ها و سهراب‌های بسیاری را در این حلقه خشونت به زمین می‌ریزد.

باید یادآور شد که نقش زن در شاهنامه کورنگ است. زنان علق خردمندانی چون فرنگیس (همسر سیاوش) و کتایون (مادر اسفندیار) در حاشیه قرار دارند و نقش فعالی در حل و فصل مسائل سیاسی ندارند. زمان‌های بحرانی، پهلوانی مثل رستم قوی و داندان‌های بران ناده است. در این میان می‌آید که غالباً هیچ هنری به جز بریدن و دریدن و شکستن و کشتن ندارد. شخصیت رستم در اساطیر تمام ملتها موجود است. اشکالی هم ندارد. گاه ضرورت دارد که گفته شود:

قصه‌ها سندشان الزاماً در تاریخ نیست، ولی در طلیت انسان ثبت است. افسانه تنها با گذشته کار ندارد؛ چون کار اصلی‌اش گزارش نیست، بلکه هادش اصاح است. نمی‌خواهد بگوید چه گذشته، بلکه می‌گوید چه باید بگذرد

چنانث بگویم به گرز گران که یولاد کوبند آهنگران ولی این برخورد نباید محور اصلی یک فرهنگ قرار گیرد. برای پرخشونت بشتری پیش از آنکه به گرز رستم نیاز داشته باشیم، احتیاج به شق و تادیب و صبر شهرزاد و فرنگیس و منیزه و کتایون و دارو، باید یادآوری کرد که شهرزاد تنها یک شخصیت افسانه‌ای نیست، زنان بسیاری در تاریخ سعی کرده‌اند که در این تفاوت که در ادبیات مردمی، شهریار خونخوار یا قصه‌های شهرزاد ادب می‌شود و حال آنکه در حماسه‌های پهلوانی، گرز فریودن یا به سسر ضحاک فرود آید، البته فریودن در کوتا‌مدلت موفق می‌شود

کانت می‌گوید: «فلسفه، عقل فعلیت‌یافته است» می‌توان به کلام کانت این‌طور نگرینست که یک بار فلسفه را با قطع‌نظر از شخص فیلسوف لحاظ کنیم و یک بار با نظر به شخص فیلسوف در نظر بگیریم. با لحاظ اول فلسفه، همان نظم عقلانی تحقق یافته‌ای است که جایگاه همهٔ دانش‌ها و عناصر شکل‌دهندهٔ یک نظم فراگیر و روابط و مناسبات میان آنها را تبیین می‌کند؛ اما به نظر لحاظ دوم، مناسبات عقل فعلیت‌یافته است، چیزی که قدماً آن را «عقل بالمستفاد» می‌خواندند.

در هیچ یک از این دو لحاظ، فلسفه به معنایی که امروز در فضاهای فلسفی ما شناخته می‌شود، نیست. برجسب لحاظ اول، ما نظم عقلانی محقق نداریم که زیست جهان امروز ما را شکل داده باشد. برجسب لحاظ دوم نیز آموزش فلسفی – چه در حوزه و چه در دانشگاه – فیلسوف پرورش نمی‌دهد. در حوزه، فلسفه به منزلهٔ آموزه (دکترین) نگاه می‌شود. متون معینی وجود دارد که طالبان فلسفهٔ اسلامی آنها را با دقت درس می‌گیرند و مباحثه می‌کنند و فرا می‌گیرند و می‌توانند استدلال‌های هر مسئلهٔ فلسفی را به‌بجوبی تقریر کنند و مناقشات را بیان کنند و به نحو مستند ل به آنها پاسخ دهند. این مسیر قرنهاست که طی شده است و طی می‌شود.

در دانشگاه‌ها نیز همین مسیر به شیوهٔ دیگری پیموده می‌شود: تاریخ فلسفه و افکار فیلسوفان آموزش داده می‌شود و دانشجوین فرا می‌گیرند و امتحان می‌دهند و واحدهای مربوط را می‌گذرانند. استادان نیز معمولاً در زمینهٔ خاصی تخصص دارند. برخی متخصص فلسفهٔ یونان‌اند، برخی در اعصار امین تخصص دارند، بعضی نیز به فلسفهٔ جدید و دورهٔ معاصر می‌پردازند و بعضی فلسفهٔ اسلامی تدریس می‌کنند و استادانی نیز به فیلسوفان تحلیلی می‌پردازند. این شیوه به شکل دقیق‌تر و مرزبندی شادتر و تخصصی‌تری در اروپا و آمریکا نیز اجرا می‌شود. به همین جهت امروزه افلاطون‌شناسان و کانت‌شناسان و هگل‌شناسان و… وجود دارند که در افکار این فیلسوفان و نظایر آنها صاحب‌نظر و متخصص‌اند.

این شیوه که در اروپا و آمریکا حاصلش پرورش استادان و پژوهشگران برجسته و نام‌آور بوده است، نتیجهٔ بسط اندیشهٔ تجدد است و کمک مراتب آموزش و پرورش و پژوهش مدرن است و به نوبهٔ خود لازم و تحسین‌برانگیز است. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که: آیا آنچه کانت می‌گفت که «امراد از فلسفه همان عقل فعلیت‌یافته است» که می‌تواند امر جزئی را فقط در امر کلی مطالعه کند، همین است؟ ظاهراً چنین نیست. عقل فعلیت‌یافته یا عقل بالمستفاد اولاً و بالذات از سنخ فعلیت به معنای اترکیاست و ثانیاً و بالنتع از سنخ علم و سوفیات.

این فعلیت مجال می‌دهد تا امر جزئی و صدقایی یعنی امری که در ساخت واقعیت رخ می‌دهد، از هر قبیل که باشد، هر آنچه به انسان و زندگانی وی مرتبط است، ضمن امر کلی یا بگویم نظرگاه مفهومی و فلسفی اندیشیده و مطالعه شود، این فعلیت و توانایی جزئی است که امروز اندیشه و فرهنگ ما بیش از هر وقت دیگر به آن نیازمند است. این فعلیت از طریق تنبع و پژوهش در یک حوزهٔ تخصصی پدید نمی‌آید.

حصول این فعلیت و توانایی برای جامعهٔ فکری ما نیازمند شرایطی است: اولاً فهم دشواری‌های عمیق زندگانی میان دو سلب (که پیش از این یاد شد)، ثانیاً مشق اندیشیدن میان دو سلب. این مشق و تمرین، زمانی به توانایی عقل می‌انجامد که از یک سو از سنت اندیشهٔ ما نماند و نباشد و از سوی دیگر در نسبت اندیشه با متوقف نیاند و در آن جمود نکند، در این صورت تدریجاً می‌توان امیدوار بود که تجدد را بفهمیم و به آن به نحو اصول بیندیشیم و از این آشفته‌ای که مقتضای وضع ماست، برون‌رفت بجویم. اما معنا از فلسفه با گفتگو میسر می‌شود و فلسفه به‌منزلهٔ عقل

اندیشهٔ فیلسوفان بزرگ، زمین حاصلخیزی است که بزهای فراوان در آن کاشته شده و برای نسلهای آینده ذخیره گشته است. برای بهره‌مندی از اندیشهٔ فیلسوفان، باید چشمه‌ها را شست و دوباره نظر کرد و از سر طلب و تأمل در آنها نگرینست تا ثمراتی فروزن‌تر از آنچه پیشتر حاصل شده بود، به دست آید

مشق و فعلیت‌یافته به برکت آن پدید می‌آید. پس چنانچه آموزش و پژوهش رایج در حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه به نحو پیشینی متکی و مبتنی بر «حقیقت فلسفه» به منزلهٔ توانایی و فعلیت اندیشه نباشد و دچار افتراق قدرت مفهومی مناسب با وضع دشواری که در آن بسر می‌بریم، باشد، راه به جایی نمی‌بریم. گفتگوی در میان فیلسوفان راهی است به سوی عمیق‌اصیل فلسفه و چیزی از قبیل یک پژوهش دانشگاهی نیست. اگر به‌درستی امکان‌پذیر شود، می‌تواند مجال تازه‌ای برای رشد و باروری اندیشیدن در روزگاری که ما در آن زندگی می‌کنیم، باز کند و به معاصرت‌اندیشی ما مدد رساند.

وقتی این تیغ کند می‌شود و مردم برای حل و فصل کردن اختلافات و دشمنی‌ها، خشونت از بین نمی‌رود و همان ضحاک، به فریودن سر به ضحاک زد، بعد از یک نسل به دست پسرش تور بر سر پسر دیگرش ایرج فرود می‌آید و این برادرکشی، به جنگهای خونین تورانیان و ایرانیان می‌انجامد و خون سیاوش‌ها و سهراب‌های بسیاری را در این حلقه خشونت به زمین می‌ریزد.

باید یادآور شد که نقش زن در شاهنامه کورنگ است. زنان علق خردمندانی چون فرنگیس (همسر سیاوش) و کتایون (مادر اسفندیار) در حاشیه قرار دارند و نقش فعالی در حل و فصل مسائل سیاسی ندارند. زمان‌های بحرانی، پهلوانی مثل رستم قوی و داندان‌های بران ناده است. در این میان می‌آید که غالباً هیچ هنری به جز بریدن و دریدن و شکستن و کشتن ندارد. شخصیت رستم در اساطیر تمام ملتها موجود است. اشکالی هم ندارد. گاه ضرورت دارد که گفته شود:

قصه‌ها سندشان الزاماً در تاریخ نیست، ولی در طلیت انسان ثبت است. افسانه تنها با گذشته کار ندارد؛ چون کار اصلی‌اش گزارش نیست، بلکه هادش اصاح است. نمی‌خواهد بگوید چه گذشته، بلکه می‌گوید چه باید بگذرد

چنانث بگویم به گرز گران که یولاد کوبند آهنگران ولی این برخورد نباید محور اصلی یک فرهنگ قرار گیرد. برای پرخشونت بشتری پیش از آنکه به گرز رستم نیاز داشته باشیم، احتیاج به شق و تادیب و صبر شهرزاد و فرنگیس و منیزه و کتایون و دارو، باید یادآوری کرد که شهرزاد تنها یک شخصیت افسانه‌ای نیست، زنان بسیاری در تاریخ سعی کرده‌اند که در این تفاوت که در ادبیات مردمی، شهریار خونخوار یا قصه‌های شهرزاد ادب می‌شود و حال آنکه در حماسه‌های پهلوانی، گرز فریودن یا به سسر ضحاک فرود آید، البته فریودن در کوتا‌مدلت موفق می‌شود

سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ - ۳۰ رجب ۱۴۳۹ - ۱۷ آوریل ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۲۶۹۸

تعامل یزد و کرمان

| | |
|---|--|
| <div><div><div><div></div><div><div>سید محمدعلی گل‌آزاده</div></div></div></div></div> | |
| <div>تعدادی از فرزندان شاه‌نعمت‌الله ولی از کرمان بسه یزد رفتند و… چندی عهددار سسند وزارت و داروگکی یزد بودند با این توضیح که علاقه به شاهی‌نعمت‌الله موجب شد تا میرمیران یزد نام یکی از فرزندان خود را شاه‌نعمت‌الله بگذارد (متوفی ۱۲۹۷ق).</div> <div><div>«عبدالله تاج‌زاده محمد تیمور را مأمور ناخن به مشهود نمود و سپس از آنجا به سمت یسزد و کرمان ناخت و یزد تحت محاصره ازبکان درآمد.»</div></div> | |

رویدادهای سیاسی مشترک یزد و کرمان، بسیار بیش از اینهاست؛ از رفتن حسین‌خان پاجنچی – سیاستمدار کرمانی به یزد و درگذشتش در آن شهر گرفته، تا ماجرای نفوذ آلمان‌ها در جنوب و از اختیار گرفتن هفت شیعه بانک شاهی از جمله در کرمان و یزد و غارت صدهزار لیرهٔ رفت و آمدهای محمدمظفر میدبدی و پسرانش شاه شجاع، شاه یحیی، شاه منصور … بین کرمان و یزد و شکل گرفتن حوادثی که در استان همسایه مربوط می‌شود … همه و همه رویدادهای مشترکی است که ذکر آنها «مثنوی فهادت من کاذبه» است.

این نکته را نیز نتوانست نگذارم که چه بسیار مواردی که بزرگان پهنه سیاست و فرمانروایان یزدی، دست تمتاً به سوی کرمان و کرمانی‌ها دراز کردند و نیز موارد بسیاری که کرمانی‌ها از یزدی‌ها کمک خواستند؛ در عنوان نمونهٔ «ملک ارسال از اتابک یزد کمک خواسته و در روز اول ماه دی سنهٔ اربع و ستین و خمسماه خراجی (۱۵۷۱ق) به بردسیر (کرمان) به همراه لشکریان یزد رسیدم‌اند و روز پانزدهم دی عازم جیرفت شدند».

گاهی کرمانی‌ها به دنبال گمشده خود به یزد رفت‌اند: «در این وقت

ظاهراً ارسال‌شاه در یزد بوده است… وزیر ظهیرالدین و سایر معارف کرمان به یزد رفته و به ملک ارسال پیوستند و گفتند: برخیز و بیا که خانه آراستاییم

از یزد به دعای شب تو را خواسته‌ایم

اتابک یزد و برادرش شرف‌الدین بیستا و غلامان ایشان در خدمت ملک ارسال آمدند و روز اول دی ماه سنهٔ ۵۶۴ خراجی به دارالملک بردسیر رسیدند و پانزده روز مقام کردند»
طبیعی است که در کنار این همه صدا و همراهی، که گاه شاهد رویدادهایی جز این باشیم، مانند مهاجرت علیرضاخان که از نواب یزد بود و با طایفه و خانواده خود در کرمان ساکن شد. برابر نوشته سفرنامه خراسان – کرمان، «در راور، علاقه و باغ و ملک داشته و همیشه به والیان کرمان، یاقی بوده و همواره سلطنت

محافل صهیونیستی

سرویس خارجی: محافل
یهوئیستی با بیان اینکه حمله غرب
سوریه، اسرائیل را تضعیف کرد
منتقد کیم افزایش تنش این رژیم با
ان در پی این حمله را دارند.

آمریکا به سوریه نمادین و بی‌اهمیت
بود. «دنی باتوم» به تل‌آویو توصیه
کرد برای پاسخ احتمالی ایران به حمله
خبر جنگنده‌های این رژیم به سوریه
آماده بماند. باتوم با اشاره به حمله

اتحادی امریکا فرانسه و انگلیس علیه انقلاب در عراق سوریه کشید و حمله نظامی نامدانی و بدون هیچ اهمیت برای عربی بود و این وقت ما در مسیر برخورد با ایرانی‌ها و ایلامی و این مسئله منجر به مواجهه مستقیم شد و چون آنها وارد به حمله به ادیس و تبریز و هاشان منته کرده اند رئیس پیشین موساد گفت باید تهدیدهای ایران علیه اسرائیل را خیلی جدی بگیریم زیرا سابقه کشتمانی و وحشی ایرانی‌ها و حمله گسترده به من می‌گوید که آنها حاکم هستند. عربی‌ها تهدید، این آنها می‌دانند. اگر ایرانی‌ها دارند در بلندی‌های جولان عملیات انجام دهند و کش نامدار که خزانه او از ایران اعلا عمل می‌کند. از

طرفی (ایکولوژی پیرم) وزیر جنگ رژیم صهیونیستی تحت اجازه‌های خود، روسیه اقداماتی از رژیم در سوریه در آن مسعود کند همچنین یک شکار دیپلماتیک مدعی اسیران پیام مشنار تل آویو به روسیه مبنی بر عدم فروش سامانه موشکی «اس-۳۰۰» به سوریه شده است که رسانه صهیونیستی به نقل از یک منبع دیپلماتیک از دنیار رژیم صهیونیستی به روسیه هزاران تجهیزات دفاعی اسرائیل سوریه به سامانه قدرتمند موشکی «اس-۳۰۰» خبر داد، به نوشته مجله «عالم غاروشن» خبر، یک منبع دیپلماتیک گفته است که تل آویو پیامی واضح بر این مبنا به مسکو فرستاده که فروش سامانه موشکی «اس-۳۰۰» به دولت سوریه، عبور از خاک قمرز اسرائیل است و در این حالی است که روسیه روز جمعه از احتمال تجهیز اسرائیل هوایی سوریه به این سامانه موشکی خبر داد، نشریه صهیونیستی «جوزوالم» به تشریح در تحلیلی با اشاره به «اس-۳۰۰» تجهیز سوریه به سامانه «اس-۳۰۰» نوشت: تجهیز سوریه با این سامانه، برتری هوایی اسرائیل را به خطر نمی اندازد، این نشریه با اشاره به توجیه اسرائیل در مورد فروش

فد موشک هوابی سوریه به طور عادی
مچون موشکهای ساخت روسیه
۳۰ سامانه های «اس-۳۰۰»
۶۰۰ سامانه های پیشرفته تر
سطح به هوای «اس-۱۷» و «اس-۲۲»
است. به روز ریزی سامانه های
روسیه تاکنون به طور ساده،
موشک بر دکوات «تیسر»
که به پداه و موشکهای را بر فراز
روسه منهدم کرده است. بر
اساس، ژنرال سرگئی یوزوویکی،
قماهای ارشد نظامی روسیه در
زمینه کت روسیه، در سال و
نیم گذشته به طور کامل دفاع هوایی
سوریه را بهیچ دره و آتفان آن
را ادای می دهد. همین راستا یکی
رسانه رژیم صهیونیستی اسرائیل
نخاسته گفته جاری سه شنبه
غریبه به سوریه، این رژیم در در
محور ایرانی - روسی منوی کرده
است. رسانه صهیونیستی کجبال
تصریح کرده حمله مذکور این تگرانی
را در این رژیم ایجاد کرده است که
صورت اقدام تلافی جویانه ایران علیه
تل آویو در پاسخ به تهاجم این رژیم
به پایگاه نظامی آن در ۴، در صحت واقع
در سوریه، اسرائیل و حمایت
لازم بوده و تهاجم خواهد ماند.
این در حلیست که مقامات این رژیم
پیش ردمست آفرینانه حمله سوریه
جاری به سوریه از کشورهای
آمریکا، انگلیس و فرانسه را با عیارت
«قریبی» توصیف کرده بودند.

[illegible]

تظاهرات گسترده مردمی در استانبول

سرویس خارجی: تظاهرات گسترده مردمی برای آزادی شیخ ابراهیم زکراوی رهبر شیعیان نیچریه استانبول ترکیه برگزار شد.

تظاهرکنندگان از دولتی چریه خواستند زکراوی را به بحرآن سلامتی جسم، دست پنجه نرم می کنند آزاد کند.

سوسی شیعیان نیچریه هم در حمایت از رهبرشان شیخ زکراوی ۹ روز است که به صورت مدام خیابان های شهرهای مختلف این کشور از جمله اوجا می آیند و یاد «شیخ زکراوی از آزاد کنید» می دهند.

گفتنی است: ۹۰ روز پیش کشتی بحاره به اعتراض

رئیس‌جمهور نیجریه قرار است با هم‌تای آمریکایی‌اش در کاخ سفید ۳۰ آوریل دیدار و گفت‌وگو

بود و «دوئالد تراس» را برای ماندن در سوریه باقی کرد. است. مگر من گفت: ما به آنجا کریمه که باید به حضور در آنجا آمده باشد. گفت: «روز ۱۴ فردین ما در آنجا تراس» بود در صورتی که عربستان سعودی خواستار آمدن حضور آمریکا در سوریه است باید حضور نیروهای آمریکایی را بپردازد. وی که در کاخ سفید بن یک نشست خبری با حضور سید کنواری ایدو وزیر خارجیه صحبت می کرد، در پاسخ به سؤالی درباره تحریرات القاع در مورد احتمال خروج نیروهای آمریکا از سوریه گفت: «ما مستعدیم به سرعت در این موضوع گیری می کند. او گفت: در مسئله سوریه ما موافق است که شادن شدن از توافق و ما به قربانی این هدف را محقق کردیم و به سرعت در مورد اینکه باید چه کنیم.

A large crowd of people, many holding flags, gathered in front of a modern building with a large fountain in the background. The scene is outdoors, likely in a public square or park, with a clear blue sky. The crowd is diverse in age and appearance, and the flags include the national flag of Iraq (red, white, and black with green and red horizontal stripes) and other regional flags. The building in the background has a modern architectural style with a large, curved facade. The fountain in the background has several tall, thin water jets.

هزاران نفر از مردم دمشق در حمایت از دولت سوریه و جبهه مقاومت در میدان مرکزی این شهر تجمع کردند. تجمع کنندگان سوری را در دست داشتن پرچم سوریه، ضمن حمایت از نظام و ارتش سوریه، حمله به آمریکا و متحدانش به سه راهی آمریکا، اسرائیل، یهودی ها،

تصمیم‌گیری خواهیم کرد، البته در هماهنگی با مدیرانی که در آن منطقه هستند. برای افزودن عربستان سعودی به تصمیم ما علاقه زیادی نشان داده است و من به آن‌ها گفته‌ام که اگر بخواهیم ما و سوریه بنایمان، باید ما را بشناسد که با ایشان داد و ستد می‌کنیم. قرار است که در ماه آوریل به آنجا برویم. **تلاش تا صبح دوازده خرداد**

[illegible]

در حملات دیوانه وار عربستان

عربستان از اهداف قرار دادند. یعنی ما همچنین مواضع نظامیان سعودی در «جبل قیس» و گذرگاه مرزی «الطوال» واقع در «جیزان» عربستان را هدف حملات خود قرار دادند که به شکسته و زخمی شدن شمار زیادی از سعودی‌ها انجامید.

در همین حال شهر «خیمن» بنی سعده، در استان «المحویت» یمن، شاهد برگزاری یک راهپیمایی پرشور در محکومیت جنایات ائتلاف متجاوزان سعودی و برگزاری سالگرد شهدای «حسین بدرالدین الحوثي» رهبر سابق جنبش انصارالله یمن بود.

سران عرب در شهر سوئتی پروز، استان‌های «حجه» و «مکّه» گسترده و به کشته شدن دست می‌نشدن شمار زیادی از نیروهای ارتش و شهروندان سعودی «الحداد»، «التیاب» و در استان «عبره»

برای ارادی رهبر سیهان یجریه

جریه با دونالد ترامپ، همتای
ریکایی‌اش در کاخ سفید
مت‌وگو خواهد کرد. این دیدار
امور خارجه پیشین امریکا به نیجریه
انجام می‌گیرد. سفر تیلرسون بخشی
از تلاش‌های ترامپ برای بهبود

جمهور آمریکا باید گنگره را دور چربان چنین اقداماتی قرار دهد. نامه ترامپ به چین را می‌توان به عنوان یک بیانیه برای فرمان ترامپ برای حمله مشترک آمریکا، انگلیس و فرانسه به سوریه را توضیح می‌دهد. ترامپ به این نامه می‌گوید: «شده است که اهداف مورد نظر در سوریه تابستای مرتبط با تسلیحات شیمیایی ارتش سوریه بوده است. چنین جمهوری آمریکا در این نامه تلاش خواهد کرد تا برای این اهداف، تلاش حمله را از طریق این منطقه، ممنوعیت استفاده و تخریب تسلیحات شیمیایی و جلوگیری از خروج شدن شایع آسانی در منطقه، عنوان کرده است. نویسنده آمریکا در سازمان ملل هم می‌گوید یکی از اهداف آمریکا از حضور نظامی در سوریه، جلوگیری از بسط نفوذ ایران در منطقه و توقف مشکل ترافیک از غرب به شرق است.» (شکی هلی) به تمجید

A large crowd of people, many wearing Iraqi flags, gathered in a public square. In the background, a large hillside is visible under a clear blue sky. A portrait of a man in a suit and tie is held up by a person in the crowd.

تجاوز از سوی مسئولان سوری شدند. آنان از مجامع بین‌المللی خواستند که برای این تجاوزها سکوت نکنند. از سویی صدها نفر از شهروندان عراقی هم در حمایت از دمشق و در محکومیت حملات هوایی غرب به سوریه، در یک بغیاد تظاهرات کردند.

[illegible]

در چنین شرایطی، رهبران سیاسی بغدادی از رهبران سیاسی سطح در فرانسه از مشارکت کشورشان در حمله هوایی به سوریه به شدت انقاد کرد. «آن کشور به تلاش‌ها و رهبر حزب چپ فرانسه (ناروانا) این حملات را این انتشارات توتیتی محکوم کرد. او این عملیات را یک ماجراجویی انتقام جوینه آمریکا و نیکی به یک فردی که به عنوان خدای و نوشتن شان فرانسه ایابی نقشی برتر از این است. این کشور باید بیرونی نظم بین المللی و صلح پایدار در زمین جناح فلوریان فیلیپ، رهبر حزب تازه تأسیس «سورستان» که تا چندین سال به شدت علیه حزب کمونیست

آمریکا در سازمان ملل درباره در پیشبرد تحریم‌های تازه آمریکا علیه روسیه، معاون وزیر خارجه روسیه، به عزم کشورش برای پاسخگویی واشنگتن تاکید کرد. در حالی که طبق گزارش‌ها آمریکا در شرف اعلام محسوب می‌شود، در بیانیه‌ای با اشاره به حمله به سوریه اعلام کرد این اقدام غیرمسئولانه مکتوب، که کشور ما و دنباله و آمریکا می‌کند، باید محکوم شود، زیرا صلح جهانی را تهدید می‌کند و آشکارا به زیان منافع ماست.

کشته شدن ۱۱ پلیس افغان در حمله طالبان به ولایت «سرپل»

این حمله، چهار نفر از عناصر طالبان کشته شدند. سخنگوی والی (افره) نیراز کشته شد ۳۷ عضو گروه طالبان خبر داد. اعلام کرد طالبان با حمله به سه مرکز امنیتی در شهرستان «پشاور» و ولایت قندد داشت که این مراکز را به تصرف خود درآورد که با کمک بارگداهای گروهی دولتی افغان و تاوین ۳۷ عضو این گروه کشته چهار تن دیگر زخمی شدند. در نتیجه شرایطی برخی از مقامات محلی ولایت اقلیتش بیش از ۱۵ نفر از اعضای گروه بوریستی داشت به طالبان داد (افرات «افراباری» دارند. در تحولی دیگر، نایب «مجاهد» سخنگوی طالبان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: انتخاب در این سه عضو و نیروهای خارجی نمایشی است و یگانگان برنده را تعیین می‌کنند بنابراین از مردم افغانستان می‌خواهیم این روند را تحریم کنند.

پاکستان با ۲ کشته
سرویس خارجی: حمله تروریستی مهاجمان مسلح ناشناس به کلیسایی در شهر کوئته مرکز ایالت «بلوچستان» پاکستان دو کشته بر

مراسم مذهبی مسیحیان در کلیسای «آناگری» قریب، در حالی که شماری از آنها در آثار خارج از کلیسا بودند به سواں تیر اندازی کردند کہ از پنجاں هفت تن دیگر زخمی شدند.

ضاریان مسلح پس از ارتکاب این جنایت از صحنه گریختند. در تحولی دیگر تانرا پاکستان از دگر یکی بن نظامیان این کشور و نیزه‌های افغان در سفر مشترک دو کشور خراب و آلوده کرد: این تن دگر یکی دو تن از نظامیان پاکستانی کشته و پنج تن دیگر زخمی شدند.

تیر دیگری حاکم، شاهان خان عباسی «نخست وزیر پاکستان برای شرکت در مراسم پایاں زرمایشان نظامی و غیر نظامی» عرسبان به این کشور سفر کردند در این سفر افسر جاوید باجوا» فرمانده ارتش و

روایات از تحریف‌ها علیه روسیه است. مقام اوردو روس گفته که مسکو در تمام قوانین به منظور پاسخگویی تجربه‌های جدید آمریکا عمل کرده و این کار را به تعویق نخواهد برداشت. معاون وزیر خارجه روسیه همچنین خبر داد که ایران‌مان این کشور را به بلای بر سر صوبه قانقاز کردی دست که به دولت مجوز لازم برای مینوعیت و عدم محدودیت روی دست داده و تهدات آمریکایی را در دهنده. در این حال مسکو ادعاهای سیاسی را امین بر سنگ‌اندازی روسیه مقابل ایران کارشامان سازمان ملل و دیپلمات‌های بی‌پایگاهی که در این اوضاع وقوع شبهه‌های بی‌دره دوما در حومه دمشق مطرح شده است، تکلیف کرد. سرکنی اوردو، وزیر امور خارجه روسیه گفت: «نمی‌توانیم یکدیگر می‌کنم که روسیه هیچ چیزی در مسکان این حمله کلماتی نداشته است. می‌افزود: می‌توانم نمی‌خواهم اختراعی درخصوص روسیای منمهور کشورهای دیگر صحبت کنم. به رهبران فرانسه، انگلیس و ایالات متحده اطلاعات استعسای از راه‌ماها و تجهیزات احتمالی می‌گیرد. رئیس ستگاه دیپلماتی روسیه ایران کرد: «روسیه سبانه‌ایه انگلیس و انگلیس به روسیه بی‌پایخ نمی‌ماند. ورواف افشرد: روابط مسکو با پرتدتر از جود جنگ سر شده است.

هفت: با در این اصولی می‌شود: نشو و نه از این شخصی نشانیست. از سوی دیگر «سالم کشور» وزیر خارجه می‌زیفت: کاهری در حفظ منافع مردم سوریه و پیشبرد راه حل سیاسی است. وی با تکیه بر آن که کشورش هواره به دنبال حفظ یکپارگی سوریه و مخالف راه حل نظامی در آن است، افزود: حمله نظامی به هیچ‌نایب در نه‌نامه‌ت، چنین حملاتی باعث پیچیدگی بحران، گسترش تروریسم و ضربه به دولت سوریه می‌شود.

نظامی ای که هدف حکومت سوریه در
حمله شیمیایی علیه رقیب نظامیان در
روما دست داشته است و در عین
حال توضیح دادند که جایگزینی عملی
از استفاده از زور علیه سوریه
وجود ندارد اما اقدام نظامی آنها
حدود به ناسانی که حکومت
سوریه را در قادی به تولید و استفاده
سلاح شیمیایی کند، خواهد
بود و به نهایت همه کشورهای
مطمینان در ناتو حمایت کاملشان از
اقدام نظامی را اعلام کردند. از
سوی معاون نخست سوریه که با
این اینکه زیاده‌سوری با ایران و
روسه اختلاف نظر دارند، تأکید کرد
فرضیه جبران سوریه با عمل شیمیایی
در حدی نیست که بتواند معاون و
تنگدگی نخست‌وزیری ترکیه اعلام
کرد موضع آنکارا با مواضع تهران
و ترکیه درباره سوریه متفاوت است.
از آن تأکید کرد ترکیه در فرضیه
سوریه که عمل شیمیایی به مخالف
است به موافق اما مواضع با ایران،
روسه و همچنین آمریکا درباره جبران
ن کشور متفاوت است و در چنین
ابطح باید که مریک و روسه،

عمل کرد و حمله به سوریه به اغیار
از رزمکما به صحنه بین‌المللی صدمه
زد. آمریکا و الاستریت و ویتال هم
سوقالاه خورد، پیروزی محور ایران-
روس به سوریه حمله کرد سوریه را به
واقعیت راهبردی خواند که با میباران
نمی‌توان آن را تغییر داد. خبر دیگر
اینکه نیکو پراپان اعلی می‌دیدار
که یک هیات انگلیسی اعلام کرده که
تجاوز غرب فقط اراده ملت سوریه
باز می‌لرز به تروریسم را تقویت
کرد. از طرفی بشپار اعلام کرد
بازسازی سوریه ۴۰۰ میلیارد دلار و
حدود ۱۵ سال زمان نیاز دارد.

دبیر مل نجباء عراقی در دیدار با
باید علیه دشمن

سرویس خارجی: دبیر کل جنبش مقاومت اسلامی «نجباء» عراق با نمایندده مقام معظم رهبری در لبنان دیدار کرد و بر طرف بر ضرورت تشکیل جبهه‌ای واحد علیه دشمنانکید کردند.

«شیخ اکرم الکعبي» دبیر کل

مقاومت اسلامی «فجاءه عراق» در بغداد با آیت‌الله طباطبائی، نماینده مقام معظم رهبری که در «بغداد» حضور گرفت، ضمن ابراز تهنیت و مبارکباد به شیاطین و فرقه‌های تروریستی در سوریه، بر ضرورت تشکیل جبهه‌ای واحد علیه دشمنان این کشور تأکید کرد.

آیت‌الله سیدعسسی طباطبائی «نقش اوبان و مواضع مقاومت اسلامی» را در این نشست

در همین حال، اتلاف «الفجر» عراق به ریاست «هادی العامری» از فرماندهان الحشد الشعبی، دریافت کمک مالی از ایران برای پیروزی در انتخابات آتی پارلمانی عراق را شایعه و بی‌اساس خواند و آن را

سرویس خارجی: اقدامات مداخله حیوانه و نه انگیز امارات در کشور آفریقای «سومالی»
رتانجام مسئولان «وکاندیشو» را وادار به انجام
کسکس العملی نه قطع همکاری نظامی با
پومویی کرد.
در همین رابطه، مسئولان سومالی اعلام کردند که
روایت نظامی با امارات عربی متحده پایان می دهد.
موزامبیک، یک فرات وادی امنیت
خودخوانده سومالی را

پس از انتخابات ریاست جمهوری زودهنگام ۱۷ آوریل - ۲۲ فورس - در جمهوری آذربایجان خواستار لغو نتایج این انتخابات شدند. جمعی از فعالان و هواداران (شرای ملی نژادهای مکتومیک) متشکل از گروه‌ها و احزاب مخالف دولت در ورشکسته‌ها شرکت باکو کردند و به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در این کشور اعتراض کردند. انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری آذربایجان با رقابت‌های تنگنار و با حضور ۹۰۰ ناظر بین‌المللی برگزار و الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری این کشور با بیش از ۸۶ درصد آرا برای هفتمین سال دیگر زمام‌داری خود را به دست گرفت.

مکرون: از ممنوعیت حجاب در فرانسه حمایت نمی‌کنم

پاریس: رئیس‌جمهوری فرانسه اعلام کرد که از ممنوعیت حجاب در کشورش حمایت نمی‌کند و به آزادی عقاید باید در راستای حفظ اتحاد، احترام گذاشته شود. در شرایطی که جبهه‌گیری در برابر حجاب و استفاده از روبنده در اروپا شدت گرفته است، «امانوئل مکرون» از آزادی‌های مذهبی حمایت کرد تا به این وسیله اتحاد در سطح جامعه حفظ شود. مکرون در جریان کنفرانس خبری اعلام کرد: با ممنوعیت استفاده از روسری در فرانسه موافق نیستم و به همه زنانی که روسری بر سر دارند احترام می‌گذارم و فرانسه هم باید اینچنین رفتار کند. مکرون گفت که ترس از اسلام‌ناشی از رشد افراط گرایان و تندروهاست و اسلام واقعی، افراطی نیست.

صداهای اسپانیایی در حمایت از استقلال کاتالونیا

تظاهرات درند

فارس: حامیان استقلال کاتالونیا با برگزاری تظاهراتی از مادرید خواستند تا سران حامی استقلال این ناحیه را از زندان آزاد کند. بیش از ۲۰۰ هزار نفر به خیابانهای بارسلون آمدند تا دولت مرکزی اسپانیا بخواهد دستوران برای استقلال کاتالونیا را از زندان آزاد کند. معترضان در حالی که برچهای کاتالونیا را با خود حمل می کردند، پشت بانی حرکت می کردند که روی آن نوشته شده بود: «برای حقوق و آزادیها و برای دموکراسی و اتحاد ما خواهیم کرد» این افراد آزاد شوند. بسیاری هم فریاد می زدند: «زندانیان سیاسی را آزاد کنید».

احتمال کناره گیری نخست وزیر ژاپن از قدرت

مهر: منابع آگاه ژاپنی می گویند «شینزو آبه» نخست وزیر این کشور احتمالاً تا ماه ژوئن از این سمت کناره گیری خواهد کرد. «جونیتچیرو کوزومیتسو» نخست وزیر سابق ژاپن با تأیید این خبر گفت این کناره گیری طرف یکی دو ماه آینده انجام می گیرد. این در حالی است که آبه طی ماههای اخیر با موجی از انتقادهای و فشارهای مطبوعاتی و رسانه ای مواجه شده است.

از جمله مسائلی که منجر به افزایش انتقادات از نخست وزیر ژاپن شده است، افشای رسوایی مالی همسر وی بوده که کاهش محبوبیت وی را به دنبال داشته است.

نوروز، میزبان گسترین رویداد سال‌های اخیر ما
 ایستادن بر فراز میزبان پرکاری زاریش ناتوانی را با لایزالین خورشید تابان
 است که تاکنون در این کشور از آنها استفاده شده است در دوره
 چهار دهه برای فراهم آوردن مقدمات این زاریش، بیش از ۱۰۰ شهر
 نوروز، افزایش قابل توجه ترافیک و روستاها را تجربه خواهد کرد. این
 زاریش در مجموع با حضور ۵۰ هزار تن از نوروزهای این چندین
 کشور عضو سازمان می‌شود که برای شرکت در یکی از گسترده‌ترین
 تفریحات نظامی سال‌های اخیر در این کشور اسکندریه، به نوروز
 می‌روند؛ زاریش که در روند متداول زندگی مردم عادی این کشور
 تأثیر می‌گذارد.

«پمپنو» توسط کمیته روابط خارجی سنای آمریکا

رد صلاحیت شد

ایرنا: شبکه خبری انیویورک دیلی نیوز، آمریکا در گزارشی از رد صلاحیت مایک پمپنو، نامزد پیشنهادهی ترامپ برای وزارت خارجه ایالات متحده، در پی مخالفت اعضای کمیته روابط خارجی مجلس سنا خبر داد.

بر اساس این گزارش، در پی به وجود آمدن مشکلات اقتصادی کمپنی رور، خارجي كمپني سايي آمريكا با ايجاد صلاحيت پمپو به عنوان ورزي خارجي، روستوش و او را گيری در ضمن سانس كشيد. كشيدنيوپور دلسی نيوزگت: نمازي پمپو براي ورزي خارجي در يك هفته متغير و بي ثباتي قرار دارد وزيرو بعد از حمله تراب به سوريو، حمايت كمپني و پمپو سنا را در دست داده است. اين شكيه جبري افزود با توجه به مخالفت (دال پال) سناور سمنورخواه ايات كشاكسي با پمپو و ايران گراي (شهيڤن) عضو مودكرات كمپني وزيرو سنا در دربارۀ چنين پيژنديان ايران، امكان ايجاد صلاحيت وزيرو توسط اين كمپني وجود ندارد.

سینای جهان عرب یا **سینای عربی** یا **سینای اسلامی** عبارت است از: **سینا**، **جبهه** جمهوری مصر در شمال غربی شبه‌جزیره سینا که جهان عرب در حال حاضر با چالش‌های سخت و بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده است. عبدالفتاح السیسی در ۲۰ نشست سران عرب در عربستان به چالش‌هایی که جهان عرب با آن روبه‌رو است، اشاره کرد و گفت: کشورهای عربی با بزرگترین بحران از بدو استقلال خود تاکنون روبه‌رو شده‌اند و امنیت عربی با چالش‌هایی بی‌سابقه‌ای در پی تهدیدهای بی‌محدود است. مکند، به گفته برخی کشورهای عربی با ناسوددها همگونی حکومتی ندارد و به گفته هسند، و افزوده: ما برای حل این مشکلات، از سازوکار مشترک عربی حمایت می‌کنیم و مصر از هیچ تلاشی برای حمایت از تحقق منابع عربی دریغ نخواهد کرد. گفت: جمهوری مصر همچنین به موضوع فلسطین اشاره کرد و گفت: فلسطین همچون مصر موضوع اصلی جهان عرب باقی می‌ماند.

مبنده مقام معظم رهبری در لبنان:
ن متحد شویم

دیگر منجر شد. همزمان، منابع امنیتی از آغاز عملیات بزرگ نیروهای الحشدالشعبی و ارتش عراق برای پاکسازی مناطق مهم مرزی ایران کشور با سوریه، اردن و عربستان خبر دادند.

دی این هوایمار با ضبط
در امارات بنی اعلام کرد
سکارتکارت نظامی با سوامی
در یک اتخاذ موضع
در قطر، سطح روابط این
به است و علاوه بر آن،
در امارات از جمهوری
مخالفت در اعلام حاصل
در قطر

در حالی که اخیراً رسانه‌های سعودی اخباری در
درباره پروژه جاسازی موز زمینی قطر از عربستان
و تبدیل این کشور به یک جزیره منتشر کردند
مشاور دیوان پادشاهی سعودی در اقدامی توهین آمیز
نام جدیدی برای قطر عنوان کرد «سعود القطنی»
در نامزین تیرت خود به جای استفاده از
قطر از واژه خوش شرفی به جزیره سفیدی و اتفاقاً
در نامزین تیرت خود به جای استفاده از

نصف دارد. سابق» استفاده کرد.



اگر دستم رسد بر چرخ گردون
از او پرسم که این چون است و آن چون؟
یکی را داده ای صد ناز و نعمت
یکی را قرص نان، آغشته در خون
«بابا طاهر»

زنده یاد بهرام زند از نگاه هنرمندان پیشکسوت

صدای ماندگاری که جایگزین نخواهد داشت

سرپرستان گفتار فیلم واقعا یک فاجعه در دناک است و باور کردنی نیست که دیگر بهرام زند در میان ما نیست. او ادامه داد: بهرام زند از نظر شخصیتی، رفتار، گفتار و کارهای هنری عالی بود و واقعا حیف شد و جایگزینی نخواهد داشت. ایشان از نظر رفتار، گفتار و کارهای هنری که انجام میدادند، نمونه بودند. بهرام زند در این دوره حیف شد که رفت، واقعا برای ما فاجعه بزرگی است. ما همیشه به این بزرگان افتخار میکنیم که کارهای خوبی انجام میدهند و ما هم از کارهای خوب آنها لذت میبریم و به خودمان میبالیم که چنین همکاری داریم. بهرام زند نباید الان میرفت، او سنی نداشت اما رفت.



همچنین حسن فتحی؛ کارگردان مجموعه سریالی «شهرزاده» از ویژگی های هنری و اخلاقی مرحوم «بهرام زند» گفت این نویسنده و کارگردان با اشاره به این که «بهرام زند» مدیریت دوبلاژ سه سریال وی با عنوان های «پهلوانان نمی میرند»، «روشن تر از خاموشی» (ملاصدرا) و «مدار صفر درجه» را بر عهده داشته است، گفت: «آقای زند یکی از بهترین مدیران دوبلاژ ما بودند. علاوه بر اینکه دوبلور بسیار خوبی بودند، نظم و دیسپلین بسیار مثال زدنی در امر مدیریت دوبلاژ داشتند؛ یا کاری را قبول نمی کردند و یا اگر قبول می کردند با تمام فکر و وجود روی آن متمرکز می شدند و عاشقانه کار می کردند. در هر سه سریالی که در مقام سازنده با ایشان همکاری داشتم، هر بار که سر جلسات دوبلاژ می رفتم که به طور مستمر هم بود، بسیار از احساس تعهد و مسئولیت ایشان لذت می بردم. آقای زند به هیچ وجه در کاری که بر عهده گرفته بودند کم فروشی نمی کردند و با عشق، علاقه و تمام وجود کار را به پایان می رساندند.» وی با اشاره به همکاری شان در سریال «مدار صفر درجه» گفت: «در این سریال ما علاوه بر بازیگران ایرانی از چند ملیت دیگر هم بازیگر داشتیم که به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و بعضی از آن ها به زبان مجاری صحبت می کردند؛ در نتیجه گاهی میزان دیالوگی که من می نوشتم وقتی به این زبانها برگردانده می شد در دوبله کمتر یا بیشتر میشد که در این موارد آقای زند با همتی و پیشنهاد دیالوگ موجز و فشرده تری را میدادند و بسیار حضور فعالی داشتند.» فتحی افزود: «آقای زند این گونه نبود که در انجام کار خود تنها به پایان فکر کند بلکه با تمام ظرفیتهای فنی و ذوقی در کار حضور داشت.» این هنرمند سرپرستی گویندگان را در سریالهای ایرانی از جمله «امام علی (ع)» و «مدار صفر درجه» و مدیریت دوبلاژ را در مجموعه های خارجی مانند «جنگجویان کوهستان»، «شرلوک هلمز» و «ناوارو» عهده دار بوده است. وی گفتار متن فصلهایی از مستند ایران را نیز انجام داده است. بیست و چهار (تاریخ دوبله: ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰)، شیخ بهایی، روشتر از خاموشی (تاریخ دوبله: ۱۳۸۱)، پهلوانان نمی میرند (دوبله: ۱۳۷۵)، مسافر، مسافر ری، از سرزمین شمالی و سریال کارتوننی بچه های مدرسه والت (دوبله: ۱۳۶۴) از دیگر کارهای مرحوم زند است.

مروری بر زندگی و آثار «لوتیس بونوئل» کارگردان بزرگ سینما



استاد سینمای سورئالیسم

«لوتیس بونوئل» (Luis Bunuel) در ۲۲ فوریه سال ۱۹۰۰ میلادی در شهر «کالاندا» واقع در کشور اسپانیا به دنیا آمد. خانواده او مشخصات خاص خانواده های بورژوازی روستایی زمان خود را داشت.

مادر وی زنی بسیار مذهبی و پدرش یک کاتولیک آزادمنش و در عین حال سختگیر و پایبند به اصول بود. لوتیس که فرزند بزرگ خانواده بود، تحت شرایط دشواری به بلوغ رسید. او تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه مذهبی «ژزویتها» در «ساراکوس» به پایان رساند و پس از پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه مادرید وارد شد و در رشته مهندسی و سپس فلسفه و ادبیات تحصیل کرد و موفق به اخذ مدرک لیسانس در سال ۱۹۲۴ میلادی گردید.

در صفحه ۵ بخوانید

نگاهی به مجموعه تلویزیونی پایتخت ۵

پای تختِ پایتخت!



مجموعه نمایشی پایتخت را بدون شک می توان یک پدیده سریال سازی در تلویزیون دانست. تجربه سریال های چند فصلی نشان داده است که وقتی مخاطبان کاری را دوست داشته اند و بعد فصل های بعدی آن در تلویزیون و یا حتی شبکه نمایش خانگی ساخته شده، به میزان فصل اول موفق نبوده است؛ اما فصل پنجم «پایتخت» اثر باکیفیتی شده و حتی نسبت به فصل چهارم خیلی موفق تر



است و این موفقیت در حالی است که توقع مردم بالا رفته و شخصیت ها شناخته شده هستند و قطعاً انتظاری که خود این سریال در مخاطب ایجاد کرده، کار را سخت تر هم می کند.

با این حال فرصت کافی برای تولید که به این سریال داده شد، موجب شد تا شتاب زدگی تولید کم شده و سر صبر و دقت ساخته شود. توجه به جزئیات در فیلمنامه و اجرای آن را می توان حاصل این زمان بندی درست دانست.

«پایتخت ۵» در عین اینکه مجموعه ای طنز است و از موقعیت های فانتری و اغراق آمیز برای خلق کمدی برخوردار بود، فضایی رئال هم داشت و همین واقع گرایی و نزدیک بودن آن به واقعیت های زندگی و زندگی واقعی که به ویژه در روابط آدمها در خانواده و اجتماع تجلی می کند، باورپذیری آن را نزد مخاطب بیشتر می کرد و این مؤلفه مهمی بود که در موفقیت پایتخت نقش داشت. جالب اینکه «پایتخت» از معدود سریال هایی است که در عین اینکه بومی و محلی است، اما محبوبیت ملی دارد و همه مردم ایران از قومیت های مختلف توانستند با آن ارتباط برقرار کرده و حتی برخی از واژه ها و تکیه کلام های شخصیت های آن را که از گویش مازندرانی آمده، در مکالمات و شوخی های روزمره خود استفاده کنند.

با این حال، برخی از موقعیت ها یا سوژه های مطرح شده در پایتخت با انتقاد و اعتراض هایی همراه شد؛ از جمله طرح مسأله ازدواج دو قلوها. این که طرح ازدواج سارا و نیکا، ترویج ازدواج در کودکی است، برداشت اشتباهی است؛ اما شاید بهتر بود که مطرح نمی شد. به صرف اینکه مساله ای طرح می شود، به معنای ترویج و تایید آن نیست و چون طنز است، باید از این زاویه هم به موقعیت نگاه کنیم.

چنان که بعداً شاهد مخالفت شدید هما و نقی با این مساله هستیم و به نظر می رسد که طرح این مساله، فارغ از استفاده از وجوه کمیک ماجرا، نه تأیید که برجسته کردن قبح آن بوده است. از سوی دیگر، فهیمه زن جوانی است که همسرش فوت کرده است و خواستگار هم دارد و اتفاقاً هنوز این مساله در جامعه ما قبح دارد که در سریال این قبح شکسته می شود. این نکته مثبتی است که سریال به آن توجه کرده است و حتی ما می بینیم که فهیمه به رحمت علاقه دارد.

اما بعضی از دیالوگ ها و حرفهایی که بازیگران سریال به هم بیان می کنند و یا فحاشی ها و تو سر هم زدن ها و ویژگی های منفی سریال است و نباید کل کل کردن را با تو سر هم زدن اشتباه بگیریم.

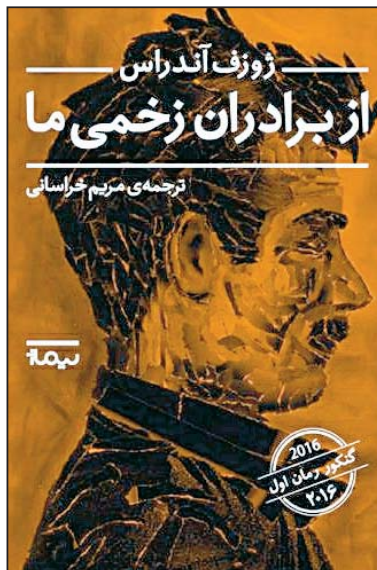
بقیه در صفحه ۲



مهدی رشاد زاده

نگاهی به رمان «از برادران زخمی ما»، نوشته ژوزف آندراس

مرگ عدالت در شب غمناک الجزایر



کرده است، تنها به اتهام نیت خرابکاری که داشته مدتی شکنجه و سپس توسط دستگاه قضایی فرانسه محاکمه و محکوم به اعدام با گوییتین شده و حکم هم اجرا می شود و از دست رئیس جمهور فرانسه هم با وجود اعتراض های زیاد نهاد های مردمی، کاری بر نمی آید.

این اعدام بازتاب گسترده ای در آن سال ها داشت و نویسندگانی چون ژان پل سارتر، درباره این بی عدالتی توسط دستگاه قضایی فرانسه مطالب افشاگرانه ای در مطبوعات نوشتند.

##

در سال ۲۰۱۶ نویسنده فرانسوی «ژوزف آندراس» بر اساس ماجرای محاکمه و اعدام فرنان ایوتن، رمانی با عنوان: «از برادران زخمی ما» نوشت که در همان سال برنده جایزه ادبی معتبر «گنکور» شد که این رمان با ترجمه مریم خراسانی توسط نشر نیماژ به بازار کتاب آمده است.

ژوزف آندراس که متولد سال ۱۹۴۸ است، وقتی خبر برنده شدن رمانش را شنید، از دریافت جایزه گنکور خودداری نکرد و گفت: رقابت و چشم و همچشمی، به زعم من مفاهیمی بیگانه با نوشتن و خلایق است. ادبیات به دقت مراقب است تا استقلال خود را حفظ کند و از سکوی قهرمانی، عنوانین افتخاری و پروژکتورها دور باشد...

##

رمان «از برادران زخمی ما» این گونه آغاز می شود: نه از آن باران های قاطع و مغرور، نه بل

شب از بدن پر از زخمش گذر می کند. بیدار می شود. یا این که بیدارش می کنند. به زحمت قد راست می کند و راه می رود. مدیر امنیت ملی به همراه کمیسر پلیس، جلوییش ایستاده اند: «مطبوعات به خاطر تسو اومدن این جا. منتظران. لباس است را بپوش».

مقابلشان ده تاروزنامه نگار و عکاس ایستاده اند. دست هایش را از جلو دستبند زده اند. فلاش ها پشت سر هم نور می اندازند. او را کور می کنند. چشم هایش را جمع می کند. نامش صفحه اول تمام مطبوعات الجزایر را اشغال می کند. گرسنگی و شکنجه های دیشب او را از پای درآورده اند. با صدایی لرزان پاسخ خبرنگاران را می دهد.

می گوید که یک مبارز سیاسی است و عملیات بمب گذاری او تنها هدفش کارخانه گاز بوده، نه بیشتر. حتی یک نفر هم در این عملیات تلف نمی شد و فکر همه چیز را کرده بود تا در موقع انفجار بمب، خونی ریخته نشود...

رئیس جمهور فرانسه، کت و شلوار تیره با راه راه های باریک به تسن دارد. کپه ای از موهایش به سمت چپ سرش متمایل است. گوش های بزرگی دارد با بینی کوفته ای.

پشت میز در کاخ الیزه که می نشیند، سه نفر وکیل هم روی صندلی مقابلش می نشینند. رئیس جمهور خود را متبسم و حتی با حسن نیت نشان می دهد. پس از گوش دادن به حرف های این سه وکیل در باره شکنجه شدن زندانیان در الجزایر، با اطمینان می گوید که پرونده را خوب مطالعه کرده و ارزیابی اش این است که مجازات در نظر گرفته شده برای «فرنان ایوتن» تناسبی با اعمال مورد نکوهش ندارد، اما به هر حال نظم عمومی هم لازم است...

##

یک جوان الجزایری فرانسوی الاصل به نام «فرنان ایوتن» جزو ملتی است که می خواهد از زیر یوغ استعمار فرانسه خارج شده و کشورش استقلال پیدا کند.

او در سال ۱۹۵۶ در بجزیره نبردهای زیرزمینی نیروهای مردمی علیه اشغالگران فرانسوی تصمیم می گیرد برای حمایت از جنبش انقلابی الجزایر، بمبی دست ساز را در یک کارخانه مواد شیمیایی منفجر کند آن هم فقط برای به وحشت انداختن اشغالگران فرانسوی.

فرنان ایوتن، قبل از انفجار این بمب که فقط سه تا پنج متر برد داشت و حتی قادر به خراب کردن یک دیوار کوتاه تیغه ای هم نبود چه برسد به انهدام یک کارخانه، دستگیر می شود. این جوان نه بمبش منفجر شده و نه کسی را کشته و یا زخمی

تفسیر دکتر دینانی از «کلشن راز»



کلشن راز

گفتگو از: کریم فیضی

تجلیات خداوند

* اینکه همه چیز جهان در جای خودش قرار دارد، حرف قدیمی است که خیلی ها آن را بیان کرده اند ولی اثبات آن مافوق طاقت بشری است و تحقیقا هیچ کس نمی تواند آن را به راحتی فراتر از ادعا برساند. اما ارتباط دادن بحث خلقت به تجلی و جمالی و کمالیه بودن آن، مسموع و زیباست: تجلیگه جمال و گه جلال است

رخ و زلف آن معانی را مثال است صفات حق تعالی لطف و قهر است

رخ و زلف بتان را زان دو بهر است تجلیات خداوند یکسان و بر یک منوال نیست. خداوند گاهی تجلی جمالی می کند، گاهی تجلی جلالی می کند. تعابیر و الفاظی مانند رخ و زلف، مثالهایی برای بیان همین تجلیات هستند. رخ زیبا نشان تجلی جمالی است و زلزله نشان تجلی جلالی است که در واقع، قهر است. همه صفات خدا را می توان در دو کلمه «لطف» و «قهر» خلاصه کرد. این دو لازم و ملزوم همدیگرند. اگر خداوند لطف محض بود و قهر نداشت، لطف بی معنی می شد و اگر قهر محض بود و لطف نداشت، قهر نداشت. لطف، در مقابل قهر لطف است. من بارها از این موضوع با عنوان «دیالکتیک توحیدی» یاد کرده ام. قهر و لطف مانند تر و آنتی تر، صفتی است که رخ و زلف بتان از هر یک از آن دو بهره ای دارند.

* در پاسخ به این نزاع شرقی که آیا رخ و زلف و امثال آن، به واقعیت خارجی و محسوس اشاره دارند، یا جنبه معقول و عرفانی دارند، شبستری محسوس بودن موضوع را انکار و کتمان نمی کند: چو محسوس آمد این الفاظ مسموع

نخست از بهر محسوسند موضوع ندارد عالم معنی نهایت

کجا بیند سر او را لفظ غایت هر آن معنی که شد از ذوق پیدا

کجا تعبیر لفظی باید او را چو اهل دل کند تفسیر معنی

به ماندنی کند تعبیر معنی که محسوسات از آن عالم چو سایه است

که این چون طفل و آن مانند دایه است حرف هایی که زده می شود، صوت است و حس است. گوش می شنود، صوت است و آن هم حس است. پس حرف هایی که ما می زنیم، معنای اولشان محسوس است. پس وقتی رخ و زلف می گوئیم، مرادمان رخ و زلف حسی است. چون خود الفاظ مسموع و محسوسند، معانی اولشان هم محسوس است و شراب در وهله اول، همان شراب واقعی است. کلمات اول بار برای محسوسات وضع شده اند. اما با توجه به اینکه عالم معنی نهایت ندارد، الفاظ نمی توانند غایت آن را ببینند و بیان کنند.

الفاظ از رساندن غایت و عالم معنا ناتوانند. به همین جهت، نیاز به تأویل پدید آمده تا بتوان عالم معنی را هم با الفاظ تا حدودی بیان کرد. لفظ به معنی راه ندارد. به همین جهت، دست به تنزل می زند و محسوس می کند تا بتواند بیان کند. معانی گاهی به مفاهیم می آیند و گاهی ذوقی اند و به مفهوم در نمی آیند. درباره این معانی، الفاظ نمی توانند صیاد خوبی باشند و ناتوان از شکارند.

به همین جهت، اهل معنای اهل ذوق به تشبیه متوسل می شوند. عظمت قهر و جلال را به زلف تشبیه می کنند و زیبایی و جمال را به رخ تمثیل می زنند و معنای کلمات را با همانندایشان بیان می کنند و پای مجاز و تشبیه و استعاره به میان می آید. برای معانی، توسط عرفا همانندی در عالم طبیعت پیدا می کنند و در قالب آنها دست به بیان می زنند. عالم معنی به الفاظ نمی آید. بنابراین، الفاظ سایه ای از عالم معنی هستند که کسی به آن راه ندارد.

ادامه دارد



شده و هیجان را هم تجربه کند. قطعاً می توان به این موضوع نقد داشت و قطعاً پایتخت در برخی از مؤلفه های دراماتیکش دچار کاستی است، اما در نهایت سریال توانسته با تکیه بر قصه گویی، شخصیت پردازی های درست، دیالوگ های شیرین و خلق موقعیت های کمدری متعدد و مؤثر، مخاطب را با خود همراه کند و به خاطره دلنشین نوروز ۹۷ بدل شود.

نگاهی به مجموعه تلویزیونی پایتخت ۵

پای تخت پایتخت!

حسادت به پسرخاله اش، باز هم حامی اوست و یا در عین کل کل با هما، روابط خوبی با هم دارند. بهترین اتفاق در این سریال برای بهرام افشاری رخ داده است. او با اینکه اخیراً در چند فیلم سینمایی بازی های خوبی داشته است، اینجا بسیار خوب دیده می شود و قابلیت های خود را به اثبات می رساند. اگرچه پایتخت ۵ قصه خود را با برخی مسائل سیاسی منطقه گره زد و وارد قصه داعش شد که این مساله هویت سریال و ذهنیت مخاطب درباره آن را تا حدودی مخدوش کرد، اما در اجرا و بازنمایی سینمایی و بصری آن موفق بود. این که در پایان، ترس جایگزین طنز در یک مجموعه کمدری شد، جای نقد دارد و این که یک سریال محبوب مردمی، خود را به سیاست پیوند بزند، موجب بدبینی به آن می شود که شاید اگر نبود بهتر بود. اما اجرای درست این موقعیت ها و کارگردانی خوب سیروس مقدم، کمک کرد تا مخاطب مجذوب آن

بقیه از صفحه اول در یکی از قسمت ها برخورد نقی را در حضور جمع با بهتاش دیدیم که روی دستش خالکوبی کرده بود و بعد درباره این حرکت صحبت می شود که چرا نقی در جمع این گونه برخورد کرد؟ این یک ویژگی خوب سریال است که ما با نقد اجتماعی خیلی خوبی نسبت به رفتارها و کنش ها مواجهیم که البته از چنین صحنه هایی بیشتر جنبه طنز آن مورد توجه قرار می گیرد. در پایان نیز شاهد تحول بهتاش هستیم که با توجه به منطق داستان باور پذیر به نظر می رسد.

واقعیت این است که «پایتخت» پیچیدگی روابط فردی و اجتماعی را هم نشان می دهد و گاهی فکر می کنیم شخصیت ها دچار تناقض هستند؛ اما مساله این است که ما در این سریال با قهرمان ها مواجه نیستیم، بلکه همه خاکستری هستند و نقاط قوت و ضعف دارند. نقی در عین



دانش‌نویس‌های آه‌ان‌ان‌ان

محبوب صالح علا

۲۵

بهار از ما هیچ توقعی ندارد!

محبوب! همه مردم نیاز دارند. دلشان می‌خواهد داستان خود را برای دیگران تعریف کنند. من هم دلم می‌خواهد داستان دلم را برای شما تعریف کنم. اکنون که شما مرا فرا گرفته‌اید. لطفاً کمی بیشتر مرا فرا بگیرید، با ته‌مانده یک نگاه نیمه‌کاره، لب‌خندی بی‌مقدمه، دل‌بردن‌های نصف و نیمه، به چه کار عاشق می‌آید؟



بهار از ما هیچ توقعی ندارد، بهار هم می‌رود، اما از خود چیزی پیش ما جا می‌گذارد. این اتفاق پیش‌تر هم رخ داده. اما آن زمان ما نبودیم، در این بهار که هستیم، بهار سرمست سبزی‌هاست. بهار در جان هستی تکاپو انداخته. سبزی‌ها را به سخن گفتن واداشته. بهار به ما مژه می‌دهد که ما هنوز جوانیم، آینه‌ها پیر شده‌اند.

محبوب! با تغییر واژه‌ها نمی‌توان مفاهیم را تغییر داد. با عوض کردن اسم بزرگراه‌ها، درخت‌ها، برهنه نمی‌شوند. برگ‌های سبز، زرد نمی‌شوند و رودخانه‌ها به مبدا خود باز نمی‌گردند. باید در پائیز بود و پائیزی کرد، تا برگ‌ها زرد شوند.

محبوب! شما را صدا می‌زنم، آفتاب طلوع می‌کند، دریا بیدار می‌شود، کوه‌ها ایستاده کنار هم سرک می‌کشند، شاپرک‌ها از دهانم فواره می‌زنند، انبوه پروانه‌هاست که از آینه بیرون می‌ریزند. عشق پدیده‌ای قابل احترام است. من هم پیش عاشق‌ها پام را دراز نمی‌کنم.

محبوب! من که مرده بودم با نگاه شما زنده می‌شوم. جوانه می‌زنم. مقصد هستی در همین نزدیکی است. عشق ماجرای مشترکی است. ای غروب آن روز چه شد که نرفتی و برای همیشه اینجا ماندی؟

محبوب! از من چه دیده‌اید؟ هنگامی که عاشق‌م، چه اشکالی دارد که حق با هر دوی ما باشد؟

محبوب! از شما پیش خود غیبت کردم. آنچه را که نمی‌خواستید از شما بدانم، با خودم در میان گذاشتم. عاشق‌ها مردمان عجیبی هستند. بی‌وفایی‌ها را دوست می‌دارند. من با یاد کردن از چیزهایی که نباید می‌دانستم، خودم را گوشمالی می‌دهم.

محبوب! عاشق‌ها را ریاکاران بی‌وفا نیستند. وقتی برای تدرستی شما دعا می‌کنند، از سویدای جان خود دعا می‌کنند. تنها نقصان در ایشان این است که زبان گفتن ندارند. ایشان بی‌واژه دعا می‌کنند. در مصرف کلمات صرفه‌جویی دارند. نگران فرسایش کلمات‌اند.

محبوب! هیچ عاشقی از محبوب خود برتر نیست. زیرا که عاشقی نیازمندی است. کدام برده‌ای از ارباب خود بالاتر است؟ عاشق‌ها شاگردهای مهربانی‌اند. عاشق‌ها حسود نیستند. عاشق می‌گوید هر که شما را دوست بدارد، مرا دوست داشته. عشق مانند دارایی و قدرت نیست. پس هر که شما را دوست داشته باشد، من هم دوستدار اویم.

محبوب! هر شب من بهترین کلمات را روانه آنها که شما را دوست دارند، می‌کنم. با کلماتی که خود ساخته‌ام. آن کلمات را که برای گفتن به شما ساخته‌ام. آن هم با چه زحمت‌ها و خون دل خوردن‌ها! معنی آنها را فقط عاشق‌ها می‌دانند و در هیچ فرهنگ لغتی پیدا نمی‌شود. کلمات عاشق چنان نیست که هر که گوش دارد، آنها بشنود. گوش داشتن لازم است، اما کافی نیست. باید عاشق بود. محبوب من! مرا ببخشید که پیر شده‌ام.

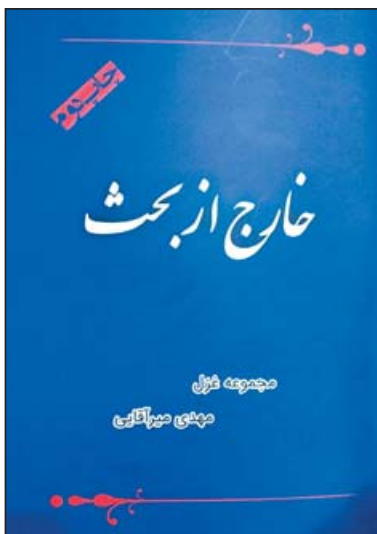
ادامه دارد

معرفی مجموعه غزل خارج از بحث / مهدی میرآقای / انتشارات ادبستان / ۱۳۹۶

اسطوره‌ها هرگز نمی‌میرند



اکبر اکسیر |



افسانه‌ها هرچند با ذهن تو درگیرند اسطوره باش اسطوره‌ها هرگز نمی‌میرند ای هم نژاد پایمردی‌های «آیدر» خورشیدها تا از بلندایت سرازیرند در قصر شیرین نگاهت خانه می‌سازند در رودبار چشم تو آرام می‌گیرند ایران من، ای سربلند جباری تاریخ تا خاطرات مردمت غرق تصاویرند مردان تو هر قدر هم افسانه ای باشند بر بام البرزت کمان در دست می‌گیرند

سیدمهدی میرآقای با توجه به تجربه دیرسالش، غرق در مضامین تکراری انجمن‌ها نشده است. به شعر فله ای، قافیه باسمة ای، سوزهای کلیشه ای دل نبسته؛ لذا غزل‌هایش فارغ از عاشقانه‌های لوس و لوث است. او شعر اجتماعی را ادامه می‌دهد و غزل به غزل پیش می‌رود تا بر زخم‌های اجتماعی مرهم بگذارد و مخاطب فهیم خود را به وظیفه شعر و تعهد شاعر آگاه سازد. با غزلی دیگر، میرآقای را به خدا می‌سپارم. امید است به خاطر بسپارد که شاعری یک مسئولیت اجتماعی است:

اگر که حرف غزل‌های من همین باشد
خدا کند که همین شعر آخرین باشد
نه این که شک کنم به حرفهای خودم
نه این که حرف لبم حاصل یقین باشد
پر از فرار و فرودم ، پر از پریشانی
چقدر حرف دلم بین نقطه چین باشد
ببار ابر جهنم! جهنمی هستم
که بند بند وجودم به شک عجین باشد
چقدر فاصله افتاده از زبان تا دل
که گفت سهم من از تو همیشه این باشد

دارد و هم هنرش را. با آن حجب و حیای درونی و فروتنی همواره اش اقرار می‌کند که: تو حرفی پشت آن لب‌خند تلخت هست می‌دانم / من اما حرف‌های آخرم مانده است تا امروز.

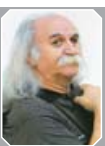
به راستی که حرف دل شاعران جهان تمام شدنی نیست. یکی را دفن می‌کردند، دخترش فریاد می‌زد که دست نگهدارید، پدرم زنده است.

آرواره‌اش تکان می‌خورد. پیرمرد دنیا دیده‌ای که در مراسم دفن حضور داشت، پرسید: پدرش چه کاره بوده؟ گفتند شاعر! گفت خاکش کنبد؛ آنها همیشه آرواره‌هایشان در حرکت است!

باهم غزل آرش را از میرآقای می‌خوانیم:

واکوی ترانه لری «بارو بارو» ۲-

صدور حکم دادگاه برای یک ترانه!



حسین فرجی

و از آنها نخست گله کردم که چرا بدون اجازه و هماهنگی، این ترانه را اجرا کرده‌اند که متأسفانه آنها برخورد ناشایست و ناپسندی داشتند و مدعی و طلبکار هم شدند. اما من در مقابل این برخورد ناشایست آنها مجوز این اثر در سال ۷۰ را به همراه مدرک و کاست و ترانه مربوطه را ارائه دادم که متأسفانه بازهم با برخورد غیر مؤدبانه‌ای گفتند: «خب حالا که چی؟ چی... می‌خواهی؟»

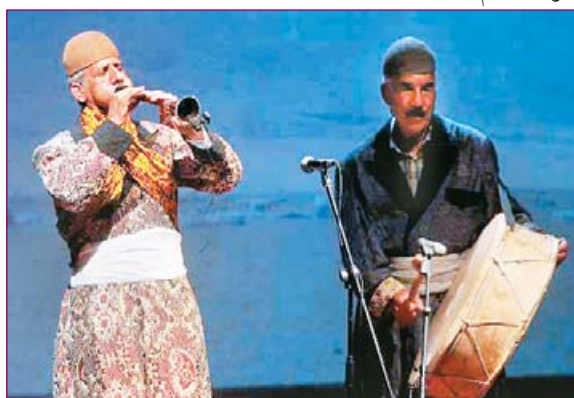
البته من از آنها چیزی نمی‌خواستم و توقعی هم نداشتم، ولی دلم می‌خواست آنها حداقل در CD مربوطه و طرح روی جلدشان قید می‌کردند که آهنگ و شعر متعلق به حسین فرجی است. آنها نه تنها این کار را نکردند، بلکه مدعی شدند که این ترانه مال صدسال پیش است، که البته نتوانستند مدرکی بر این ادعای خود بیاورند و فقط مدعی شدند که خیلی از هنرمندان خرم‌آباد گواهی داده‌اند که این ترانه مال یکصدسال پیش است (که البته آن عده از هنرمندان خرم‌آباد هم کسانی بوده‌اند که به کارهای من روی خوش چندانی نشان نمی‌دادند). و البته می‌دانید که این نوع دورزدن‌ها و ترور نرم شخصیت، در گوشه و کنار جامعه هنرمندان، زیاد به چشم می‌خورد.

او در ادامه گفت: من مجبور شدم برای دفاع از حق و حقوق خود به دادگاه رسانه در میدان پانزده خرداد شکایت کنم و اسناد و مدارک مربوط به خودم را ارائه نمایم که پس از مدتی، قاضی دادگاه رسانه، حق را به من داد و حکم جلب مسئولان کمپانی مربوطه را که آثار آنها را منتشر کرده بود، به من داد و من با حکم جلب به کمپانی مربوطه رفتم. در آنجا بحث و جدل زیادی بینمان شد و مسئول کمپانی در نهایت حکم دادگاه را پذیرفت و حق و حقوقی را (که البته من در قید آن نبودم) به من پرداخت و رضایت مرا تا حدودی از نظر مالی جلب کرد. اما اسم مرا بازهم در تکثیرهای بعدی‌شان روی CDها نیاوردند.

او ادامه داد: البته آقای مرادی، خواننده اصلی گروه رستاک، دوسه باری هم که در تلویزیون کرمانشاه اجرا داشت، مصاحبه کرد و بازهم از آوردن اسم شاعر و آهنگساز خودداری کرد و گویا معلوم بود که با مجریان برنامه تلویزیون کرمانشاه هماهنگ کرده بودند که اسمی از شاعر و آهنگساز به میان نیاید و اساساً هنوز هم سخت‌شان است که بگویند خالق این اثر، من هستم. حسین فرجی در ادامه به سرنوشت ترانه معروف دیگرش یعنی «شپورچی» اشاره می‌کند و می‌گوید: آن ترانه من هم سرنوشتش شبیه همین ترانه ام بود که عرض شد.

ادامه دارد

در شماره قبل برایتان توضیح دادم که نخستین اجرای به ثبت رسیده ترانه لری «بارو بارو» توسط خواننده معروف و پرطرفدار لری، حسین فرجی صورت گرفته است و توضیحاتی نیز درباره زندگی و آثار این خواننده دادم.



بعد از چاپ مطالب یاد شده در همین ستون، در تماسی که با این خواننده محبوب لرستان داشتم، او توضیحات بیشتری درباره چگونگی اجرای این ترانه در اوایل دهه هفتاد داد و گفت که: شعر و آهنگ این ترانه از ساخته‌های خودم است و این که عده‌ای مدعی شده‌اند این یک ترانه فولکلوریک لری است، کاملاً غلط است.

حسین فرجی ادامه داد: من اوایل سال ۱۳۷۰ ترانه «بارو بارو» را اجرا کردم و کمپانی ایران صدا - که متعلق به آقای منوچهری، برادر حمید منوچهری گوینده و دوبلور معروف بود- این ترانه را در یک کاست به همراه چند اثر دیگر از من منتشر کرد که در آن زمان از پرفروش‌ترین نوارهای مجاز بود و بعد از آن بود که گروه لری رستاک این ترانه را اجرا کرد.

آقای فرجی در مقابل این سؤال که وقتی شنیدید اثرتان را اجرای جدید کرده‌اند، چه کردید؟ گفت: من شنیدم و البته خوشحال شدم که طبعی بر آهنگ من کوبیده شده و این ترانه معروف‌تر شده است.

وقتی در برج میلاد، گروه رستاک کنسرت اجرا داشت، رفتم در کنسرت‌شان شرکت کردم و در پایان کنسرت در جمع آنها حضور یافتم

درخشش ارکستر سمفونیک رسانه هنر در تالار وحدت



مریم مدنی، کنسرت مایستر

– نوازنده ویولا در کوارتت زهی آراد و اجرای چندین برنامه
– تدریس در هنرستان‌های موسیقی دختران و پسران و دانشگاه
موسیقی

– عضو هیأت مدیره کانون نوازندگان کلاسیک خانه موسیقی
ایران

– عضو هیأت داوران نخستین جشنواره رقابتی خانه موسیقی
– عضو پیوسته خانه موسیقی ایران

– دبیر نخستین جشنواره رقابتی سازهای کلاسیک خانه موسیقی
ایران

کنسرت مایستر؛ مریم مدنی

در سن ۱۱ سالگی وارد هنرستان موسیقی شد و فراگیری ساز ویولن را زیر نظر سرکار خانم مرجان قنبری‌مهر آغاز کرد و با رتبه ممتاز از هنرستان موسیقی فارغ‌التحصیل شد. سپس وارد دانشگاه موسیقی گردید و در پایان موفق به اخذ رتبه ممتاز از آن مرکز شد.

وی در ادامه در مسترکلاس اساتیدی چون آرام تالالیان، پروفیسور منوچهر صهبایی و ارلیش فن بروخ شرکت فعال داشته و از محضر آن اساتید بهره فراوان جست. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

– سولیست و کنسرت مایستر ارکستر سمفونیک رسانه هنر
– نوازنده گروه ویولن اول ارکستر سمفونیک تهران از سال ۱۳۸۰
و اجراهای کنسرت‌های متعدد به همراه آن ارکستر در داخل و خارج از کشور

– نوازنده ویولن اول کوارتت زهی آراد و اجرای کنسرت‌های متعدد با آن گروه

– نوازندگی در ارکستر مجلسی آبان با سمت کنسرت مایستروسولیست (تکنواز)

– نوازندگی در ارکستر جوانان تهران با سمت کنسرت مایستر

– اجرای رسییتال ویولن و پیانو
– مدرس هنرستان موسیقی دختران از سال ۱۳۸۴

اسامی نوازندگان:

مریم مدنی: کنسرت مایستر / دانیال جورابچی: ویلن اول / شکیبا خسروی: ویلن اول / کیانا کاوه حقیقی: ویلن اول / غزل صادق‌الودع: ویلن اول / آذین اجلی: ویلن اول / علی شعیبانی: ویلن اول / نیوشا درودگر: ویلن اول / ماریه جلیلیان: ویلن دوم / کیمیا عباسی: ویلن دوم / رومینا احمدی: ویلن دوم / علی علیزاده: ویلن دوم / رامین خانی: ویلن دوم / نیلوفر یعقوبی: ویلن دوم / فرزاد راد: ویلن دوم / حسین زمانی سقازاده: ویلن دوم / معین جلیلیان: ویولا / مهدی منادی: ویولا / لانا طاهر بیگی: ویولا / طنا زرحمتی: ویولا / حمیدرضا جمشیدی: ویولا / روشاگواهی: ویولا / امیرحسین اشتیاقی: ویولا / دانیال محقق: فرد: ویولا / هیوا رضازاده: ویولا / هسیتی حامدسپاسی: ویلنسل / سهراب ملک‌زاده: ویلنسل / سینا زرآباد: ویلنسل / شهرزاد مجدی: ویلنسل / پورنگ پورشرازی: کنترباس / محمد علیزاده: کنترباس / کیانا فاطمی: فرفلوت / غزاله میرزازاده: فلوت – پیکولو / ژان بیات: فلوت / نازنین احمدزاده: ابوا / کیمیا شرع‌بافیان: ابوا / امیرحسین صادق‌زاده: کلارینت / امین بلورچیان: کلارینت / کسری مخدراتی: کلارینت / علیرضا متوسلی: فاگوت / امیر ملکی‌زاده: فاگوت / مهسا یوسف‌نژاد: هورن / لیلیا بازغی: هورن / حسین شریفی: ترومبون / سیامک کریم‌پور: ترومبون / علی ضربایی: رومپ / امیررضا صالحی: ترومپت / عرفان فرشچی‌زاده: تیمپانی / آرمین خیرخواه: پراکشن / دیبا پیشدادی: پیانو

ارکستر سمفونیک رسانه هنر در سال گذشته چندین کنسرت برگزار کرد که آخرین آن در ۲۵ اسفندماه ۹۶ در تالار وحدت تهران بود که با استقبال زیاد استادان موسیقی کلاسیک و تماشاگران مواجه شد. در این فرصت، نگاهی داریم به فعالیت‌های این گروه.

رهبر گروه:

امیرپدرام طاهریان

کنسرت مایستر:

مریم مدنی

با اجرای آثاری از:

جوزپه وردی

لودویگ وان بتهوون

فکرت امیروف

سابقه فعالیت ارکستر

ارکستر سمفونیک رسانه هنر در سال ۱۳۸۵ توسط امیرپدرام طاهریان بنیان‌گذاری شد. این ارکستر، نخست در قالب ارکستر سازهای زهی فعالیت خود را آغاز کرد و سپس در سال‌های بعد به سرعت گسترش یافت و به‌طور منظم به تمرینات و رپرتوارهای ارکسترال معتبر و اجراهای گوناگون اهتمام ورزید.

از ویژگی‌هایی که این ارکستر را از ارکسترهای مشابه متمایز نموده، ترکیب نوازندگان حرفه‌ای با جوانانی است که در سال‌های اخیر موفق به اخذ استانداردهای یک اجرای موفق شده‌اند. از فعالیت‌های این ارکستر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

– اجرای کنسرت برای بزرگداشت استاد تارخانیان در خانه هنرمندان

– اجرا در فرهنگسرای نیاوران

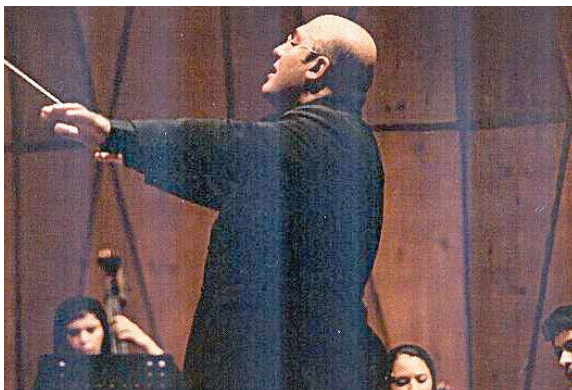
– اجرا در فرهنگسرای ارسباران

– اجرا در تالار آوینی

– اجرا در تالار فارابی

– اجرا در تالار رودکی

رهبر ارکستر، امیرپدرام طاهریان



از ۹ سالگی زیر نظر بهروز وحیدی‌آذر به نواختن ساز ویلن پرداخت. در سال ۱۳۷۳ نزد آقای سیاوش ظهیرالدینی، نواختن ساز ویلن آلتو (ویولا) را آغاز و در سال ۱۳۷۵ در محضر استاد والودیا تارخانیان به تکمیل آموخته‌های خود در زمینه‌های ویلن و ویولا همت گماشت.

وی در مسترکلاس‌های اساتیدی چون آرام تالالیان، ارلیش فن بروخ، پروفیسور منوچهر صهبایی و نیکولای دیادیورا حضور فعال داشته است. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

– نوازندگی در ارکستر سمفونیک تهران و اجرای برنامه در داخل و خارج از کشور

– نوازندگی در ارکستر سمفونیک صدا و سیما،
– نوازندگی در ارکستر سمفونیک جوانان تهران، به عنوان نوازنده و تکنواز

– نوازندگی در ارکستر مجلسی نیاوران

– نوازندگی در ارکستر مجلسی ارسباران

– نوازندگی در ارکستر سمفونیک فرهنگسرای بهمن

– نوازندگی در ارکستر مجلسی جوانان تهران به عنوان نوازنده و تکنواز

– نوازنده اول ارکستر مجلسی آبان

– نوازنده ارکستر فیلارمونیک تهران

نقد آثار منظوم و منثور
عباس یمینی شریف



یار مهربان

هومن ظریف

دکتر کاووس حسن‌لی، در ادامه با اطلاق کردن «بینش سنتی» به فرازی از سخنان یمینی شریف، مدعی شده است که «بینش سنتی یمینی شریف» را می‌توان در پیوند با سه مقوله «شعر، نظم و نثر» از داوری زیر شاعر دریافت:

«اگر می‌گویند نام آن اشعار نظم است، کلمه نظم از ارزش این گونه اشعار نمی‌کاهد. زیرا معنی نظم عام‌تر از معنی شعر است. از طرفی کلام را به طور کلی به نظم و نثر تقسیم می‌کنند. از طرف دیگر اگر کلامی مفید به هیچ گونه نظم نباشد، نه تنها شعر نیست، نثر هم نیست. بلکه تعدادی کلمات است که مانند مخلوطی از حبوب در ظرفی ریخته باشند.»

در صورتی که تعبیر یمینی شریف از نظم در این گفتار، موسیقی درونی و انسجام و هارمونی معنوی و ساختاری شعر است. و از سبب متن، مخصوصاً جایی که صراحتاً می‌گوید: «هیچ‌گونه نظم نباشد»، این مساله آشکار است که او صرفاً واژه مصطلح «نظم» را در برابر «شعر» در نظر نگرفته است، بلکه از این واژه، نظم درونی و دینامیزم کلام را نیز در نظر داشته است. نکته دیگر اینکه اگر یمینی شریف، منظورش اصطلاح مشخص «نظم» بود، در این گفتار حداقل شعر «ایران زیبا»ی خود را که در قالب شعر نیمایی سروده است، از مبحث مستثنی می‌کرد. شاعر، قائل بر این بوده است که حتی کالبد شعر سپید هم اگر نظم درونی نداشته باشد – نه فقط موسیقی کناری – نمی‌تواند شعر قلمداد شود.

حسن‌لی درباره شعر «فری به آسمان می‌رود» گفته است: «در داستان منظوم فری به آسمان می‌رود، بیان مصرع آخر هیچ ضرورتی ندارد؛ زیرا مطلب در مصرع اول همان بیت تمام شده و وجود مصرع دوم آشکارا به شعر ضربه زده است.»

ولی از خانه خود یک نشانی
چو ما از کار خود آسوده گردیم
بیایم و فری جان را ببینیم
دهید از راه لطف و مهربانی
تمام کار کشت و زرع کردیم
فری جان را در آنجا ما ببینیم

در صورتی که این ویژگی صنعت «تکرار» است و مصرع دوم لفظی کاملاً عامیانه و نزدیک به سخن عوام است و در ساحت علم معانی و درکنشی دراماتیک، وقتی که گفته می‌شود جناب حسن‌لی، می‌خواهم شما را زیارت کنم و ایشان اگر در مقام پاسخ بگویند من پذیرای شما (در منزل/ محل کار/ کتابخانه) هستم و حقیر بگویم: می‌آیم و کاووس جان را می‌بینم؛ البته می‌آیم و کاووس جان را در آنجا (منزل/ محل کار/ کتابخانه) می‌بینم؛ یعنی یک تیر با دو نشان منظور بوده است.

و اتفاقاً این اوج دلبستگی و علاقه مهمان است که در محضر میزبان به همراه احتمال دیدار (منزل/ محل کار/ کتابخانه) مخاطب، شرفیاب شود. چه بسا می‌توان «آنجا» را در این بند از شعر، مجاز از «خدمت» و «آستان» و مامن مألوف «فری» دانست:

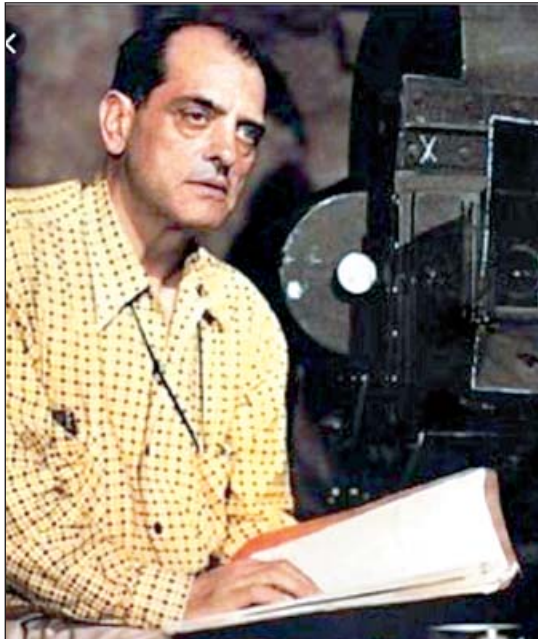
تمام کار کشت و زرع کردیم
فری جان را در آن جا ما ببینیم

ادامه دارد



مروری بر زندگی و آثار «لویس بونوئل» کارگردان بزرگ سینما

استاد سینمای سورئالیسم



رُمان‌های «گالدوس» - نویسندهٔ اسپانیایی - است که بونوئل در جوانی با آثارش آشنا شده بود.

بونوئل پس از «تب درال پائو بالا می‌رود» (۱۹۵۹) و «دختر جوان» (۱۹۶۰)، فیلم «ویریدیان» را در سال ۱۹۶۱ ساخت. این فیلم که در مکزیک ساخته شده بود، توسط دولت اسپانیا به جشنوارهٔ بین‌المللی «کن» فرانسه فرستاده شد و برندهٔ جایزهٔ بزرگ «نخل طلا» گشت؛ ولی از سوی روزنامه‌های مرتبط با واتیکان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. سخن بونوئل در این فیلم آن است که تقوای ابلهانه موجب مشکلات بسیاری در جامعه می‌شود.

بونوئل در سال ۱۹۶۲ «فرشتهٔ مخرب» را ساخت که بازگشتی به دوران سورئالیسم سینمای او است و در سال ۱۹۶۴ فیلم «خاطرات یک مستخدمه» را کارگردانی کرد که به تشریح زمانی از تاریخ فرانسه می‌پردازد که دسته‌های فاشیستی ضد یهود، شروع به تجاوزات آشکار کرده بودند. او پس از ساخت «سیمون صحرا» (۱۹۶۵)، در سال ۱۹۶۶ «زبیبای روز» را کارگردانی کرد. او در این فیلم که فضایی تلخ و سیاه دارد، به تشریح بیماری‌های جنسی و روانی انسان‌ها پرداخت.

در سال ۱۹۶۸ بونوئل «راه شیری» (کهکشان) را کارگردانی کرد و دو سال بعد، «تریستانا» (۱۹۷۰) را ساخت که موشکافی بسیار عمیق و دقیقی از زندگی زنی بیمار بود که بیماری وی از بی‌ریشه بودن او و خانواده‌اش سرچشمه گرفته و به نوعی عقدهٔ روانی تبدیل شده بود که نهایتاً به جنایت منتهی گردید.

بونوئل در سال ۱۹۷۲ «جذائیت پنهان بورژوازی» را ساخت و در ۱۹۷۴ «شبح آزادی» را کارگردانی کرد. در این دو فیلم که نمایندهٔ اوج هنر بونوئل هستند، فقط ظاهری از روایت وجود دارد و طرح داستانی، بی‌معنا و حتی غیرممکن است. البته این سخن دلالت بر بی‌معنا بودن این دو فیلم نمی‌کند. در واقع، شالوده‌شکنی پیچیدهٔ قراردادهای روایت در این دو فیلم، تلویحا به معنای نقادی بر تظاهرات اجتماعی و ایدئولوژیک است.

بونوئل «میل مبهم هوس» را در سال ۱۹۷۷ کارگردانی کرد و پس از آن تصمیم به ساخت فیلم «صد سال تنهایی» گرفت و شروع به کار بر روی آن کرد که به دلیل مرگش ناتمام ماند.

«لویس بونوئل» در فیلم‌هایش بیشتر به جامعه و مذهب توجه داشت و بی‌عدالتی‌های اجتماعی را به شدت مورد نقد قرار داد و تعصبات مذهبی افراطی و نادرست را مانعی برای دسترسی به آزادی‌ها دانست. غالباً بونوئل را بزرگ‌ترین کارگردان سینمای اسپانیا معرفی می‌کنند، اما او بخش زیادی از زندگی خود را در تبعید گذراند و تقریباً اکثر فیلم‌هایش را در مکزیک یا فرانسه ساخت.

خود او گفته است: «اگر در خلال جنگ داخلی از اسپانیا فرار نمی‌کردم، احتمالاً همگان مرا فقط به عنوان فیلم‌سازی اسپانیایی که پیش از شکوفا شدن، جان سپرده است و در همان آغاز فعالیت درخشانش توسط ارتش ژنرال فرانکو کشته شده است، به یاد می‌آوردند.»

بونوئل معتقد بود که بخش اساسی تمام آثار هنری «راز» است، اما در سینمای امروز معمولاً رازی وجود ندارد. او می‌گوید: «کارگردانان و نویسندگان، نهایت دقت را به خرج می‌دهند تا از آنچه ممکن است ما را مشوش سازد اجتناب کنند. آنها در چرخهٔ شگرفی را که به روی دنیای رهایی‌بخش شعر گشوده می‌شود، بسته نگاه می‌دارند و قصه‌هایی را ترجیح می‌دهند که گویی ادامه‌دهندهٔ زندگی عادی ما هستند.»

غالب منتقدان سینمایی، سال‌های فعالیت بونوئل در مکزیک را دوره‌ای متوسط قلمداد کرده و بلوغ نهایی او در عرصهٔ فیلم‌سازی را پس از بازگشت وی به اروپا برای ساختن «ویریدیان» دانسته‌اند. اما میان این دو دوره، شباهت‌های فراوانی وجود دارد و در واقع، بونوئل در تمام آثارش دل‌مشغولی‌های یکسانی را دنبال کرده است. او گفته است: «آموزش‌های ژئوتیتی و سورئالیسم، او را برای زندگی آماده ساختند.»

لویس بونوئل در ۲۹ جولای سال ۱۹۸۳ میلادی در کشور مکزیک در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

بقیه از صفحه اول

سال‌های آخر تحصیلات برای بونوئل، سال‌های تشویش و ناراحتی‌های درونی بود و همین امر منجر به ظهور استعدادهای ذاتی او در زمینهٔ هنر تئاتر شد. او در این ایام با «فدریکو گارسیا لورکا» و «سالوادور دالی» آشنا شد و به همین جهت، جریان فکری‌اش به سوی «سورئالیسم» (غیرواقع‌گرایی) معطوف گردید. بونوئل در همین ایام دست به قلم برد و مطالبی بر کاغذ رقم زد و البته به نقاشی هم پرداخت و به این ترتیب، کم‌کم نبوغش ظاهر شد. او در این زمان احساس کرد که اسپانیا یرایش تنگ و کوچک است و به همین دلیل به فرانسه رفت و به جستجوی متفکرانهٔ خود ادامه داد و سرانجام در همان تفکر سورئالیستی، دست به بیان تصویری زد.

به نظر می‌رسید که تئاتر برای بیان دنیای درونی بونوئل که تحت تأثیر شدید جریانات سورئالیستی قرار داشت، کافی نبود. سینمای صامت آن زمان به شدت توجه او را به خود جلب کرده بود و همین امر او را به سمت سینما سوق داد. بونوئل ابتدا در دو فیلم «موپرا» (۱۹۲۶) و «سقوط خانهٔ اوشر» (۱۹۲۷) دستیار «ژان ایستین» - کارگردان مشهور سینمای صامت فرانسه - شد و سرانجام در سال ۱۹۲۸ میلادی اولین فیلمش را به نام «سگ اندلسی» کارگردانی کرد و به واسطهٔ همین فیلم که با همکاری «سالوادور دالی» در فرانسه ساخته شد، به جرگهٔ سورئالیست‌ها راه یافت.

ویژگی «سگ اندلسی» که یک شاهکار سینمایی است، در این است که به عنوان نخستین اثر متشکل و کامل سینمای سورئالیستی عرضه شد. طبعاً در این فیلم بدیهه‌سازی، تخیل آزاد، مسائل وراء واقعیت، تغییر و تبدیل اجسام و اشکال به یکدیگر، به ویژه صحنه‌های خشونت‌بار و بسیار سادیستی و وحشتناک فراوان دیده می‌شود و ترکیب هذیان‌آلود صحنه‌ها و از هم گسیختگی و بی‌منطقی ظاهری آنها چنان است که هرگز نمی‌توان خلاصه‌ای از داستان فیلم را بیان کرد. این فیلم همچون یک تابلو از آثار «سالوادور دالی» است که مملو از تصاویر عجیب و حیرت‌انگیز است. «سگ اندلسی» یک اعلامیهٔ رسمی سینمای سورئالیست است.

دومین فیلم لویس بونوئل «عصر طلایی» نام داشت که در سال ۱۹۳۰ میلادی ساخته شد. بونوئل ستاروی این فیلم را که همچون «سگ اندلسی» سورئالیستی بود، با همکاری «سالوادور دالی» نوشت. هذیان و از هم گسیختگی این اثر نیز همچون «سگ اندلسی» با ابعادی گسترده به چشم می‌خورد. «عصر طلایی» شاهکاری از خوشنوی، غنا و صداقت مطلق هنری است. این فیلم بر اصالت بونوئل صحنه گذاشت و یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های سورئالیسم را باعث شد. ماجرا از این قرار بود که راست‌گرای افراطی به سینمای محل نمایش این فیلم حمله کردند و مقامات هم در پاسخ به عمل آنها، نمایش فیلم را ممنوع نمودند.

«لویس بونوئل» پس از ساخت «عصر طلایی» در فرانسه، مجدداً به اسپانیا بازگشت و یک فیلم مستند دربارهٔ مردم عقب‌افتادهٔ ناحیه‌ای از این کشور ساخت که «هوردها» (۱۹۳۲) نام داشت. او در آغاز جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶، به پاریس فرستاده شد تا با استفاده از فیلم‌های خبری فیلمبردار روس «رومن کارمن» و دیگران، فیلمی مستند دربارهٔ جنگ تهیه کند. این اثر که یک مستند سیاسی است «اسپانیا ۱۹۳۷» نام گرفت.

بونوئل پس از پایان جنگ‌های داخلی اسپانیا به آمریکا رفت. او به عنوان مشاور رسمی در زمینهٔ ساخت فیلم‌های جنگی در هالیوود به کار پرداخت، اما دولت آمریکا طرح‌های او را تحریم نمود. از سوی دیگر، جمهوری اسپانیا به دست نیروهای «ژنرال فرانکو» سقوط کرد و بونوئل از اینجا مانده و از آنجا رانده شد.

وی سپس در موزهٔ هنرهای مدرن نیویورک به کار آماده کردن فیلم‌های تبلیغاتی برای پخش در آمریکای لاتین پرداخت تا اینکه «سالوادور دالی» دمدمی مزاج که پیش از فیلمبرداری «عصر طلایی» رابطهٔ خود را با بونوئل به هم زده بود، او را به بی‌دینی و کمونیست شدن متهم کرد و در نتیجه، بونوئل وادار به استعفا شد.

پس از چهار سال دست زدن به هر کاری در ایالات متحده آمریکا، شانس به بونوئل روی آورد و از او دعوت شد تا فیلمی را در مکزیک کارگردانی کند. به این ترتیب بونوئل در سال ۱۹۴۵ به مکزیک رفت و دورهٔ تازه‌ای از زندگی خود را در این کشور آغاز کرد و در طول سال‌ها اقامت در مکزیک، اعتبار تازه‌ای به سینمای این کشور بخشید.

بونوئل پس از ساخت «کازینوی بزرگ» (۱۹۴۷) و «خوشگذران بزرگ» (۱۹۴۹)، فیلم «فراموش‌شدگان» را در ۱۹۵۰ کارگردانی کرد که مشهورترین فیلم او در مکزیک محسوب می‌شود. این فیلم به ترسیم زندگی اطفال حومهٔ (مکزیکوسیتی) می‌پردازد؛ کودکانه که به علل مختلف اجتماعی و بدون گناه و تقصیر به راه‌های خلاف و بزهکاری کشیده می‌شدند. موفقیت جهانی این فیلم که بسیاری از مکزیک‌ها آن را به دلیل لکه‌دار کردن نام مکزیک به یاد انتقاد گرفتند، شهرت بونوئل را احیاء کرد. سال‌های پس از این فیلم، پربارترین دورهٔ فعالیت بونوئل به شمار می‌رود.

بونوئل پس از ساخت «فراموش‌شدگان»، آثار دیگری را کارگردانی کرد که عبارتند از: «سوزانا» (۱۹۵۰)، «کین تین تلخ» (۱۹۵۱)، «دختری بدون عشق» (۱۹۵۲)، «صعود به آسمان» (۱۹۵۲)، «مرد خشن» (۱۹۵۲)، «ماجرای رابینسون کروزوئه» (۱۹۵۲)، «ال» (۱۹۵۲)، «بلندی‌های بادگیر» (۱۹۵۲)، «ارو یا با قطار سفر می‌کند» (۱۹۵۳)، «روخانه و مرگ» (۱۹۵۴) و «تلاش برای جنایت» (۱۹۵۵).

در بین فیلم‌های فوق، «ال» یکی از آثار موفق و برجستهٔ بونوئل محسوب می‌شود. این فیلم، داستان مردی متشخص و با موقعیت اجتماعی برجسته است که اطرافیانش به همین دلیل به او احترام می‌گذارند، ولی این مرد دارای صفت زشت «حسادت» است و همین امر، زندگی خانوادگی وی را به شدت تلخ می‌کند و حیات همسرش را تباه می‌سازد.

بونوئل در سال ۱۹۵۸ فیلم «نازارین» را ساخت که تصویر فریبنده‌ای از دین‌پرستی دکنیوتی است علیه واقعیت بی‌رحم. این فیلم اولین اقتباس از

خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی

در عرصه آواز و موسیقی

یک عمر خاطره

۸۹

عارف در میهمانی سردار بختیار

در یکی از روزهای تابستان، سردار بختیار که در آن زمان «اقبال السلطان» لقب داشت، مرا در خانهٔ مجلل خود، در اوائل خیابان سعدی، روبروی فروشگاه چرخ‌های خیاطی (زینگر)، به میهمانی ناهار دعوت کرد. کسان دیگری نیز در این میهمانی حضور داشتند: ملک‌الشعراء بهار، حیدرعلی کمالی اصفهانی و شاعر معروف ایرج‌میرزا.

چند دقیقهٔ پس از ورود من، عارف هم آمد. رنج‌های سفر مهاجرت، چهرهٔ وی را رنجورتر، آزرده‌تر و لاغرتر کرده بود. او در آن مجلس خاموش و پیدا بود که دل‌پردردی با خود آورده است.

عارف از سفر مهاجرت خود چندین ترانهٔ بسیار شورانگیز و حزن‌آمیز آورده و چندین کنسرت با آنها داد... هرگز آن هیجان را که کنسرت عارف در نهضت جمهوری‌خواهی در تهران فراهم کرد، فراموش نخواهم کرد.

عارف پس از چندی از تهران رفت و در زرگنده در باغ و عمارتی که سپهسالار اعظم، محمدرولی خان تنکابنی (به جبران کتکی که خدمتگزارانش به او زده بودند) به رایگان در اختیار او نهاده بود، سکونت کرد و از مردم کناره گرفت. چنان‌که خود او بارها گفته است، چنان از مردم گریزان و بیزار شده بود که سه سگ را با خود مانوس کرده بود. یکی از آنها، سگی بود خرمایی که پشم بلند و دست و پای لاغر داشت. عارف نام این سگ را «ژیان» گذاشته و حتی تصنیفی برایش ساخته بود که مصرع اول آن این است:

«ژیان بیا هف هفو کن، هاف هاف»

عارفانهٔ ایرج و دل‌آزدگی عارف

سعید نفیسی که دوست و معاشر عارف بود، دربارهٔ «عارفانهٔ ایرج» چنین می‌نویسد:

«انتشار عارفانهٔ مرحوم ایرج میرزا جلال‌الممالک، جراحات خونریز دل عارف را سوزنده‌تر می‌کند.

ایرج در این منظومهٔ بسیار معروف، قصدی جز شوخی و شیرین زبانی نداشته است، اما عارف به هیچ قیمتی حاضر نبود که این شوخی را تحمل کند. سخت از آن رنجیده و شاید بیماری قلبی که چند سال او را آزار می‌داد، از همین‌جا سرچشمه گرفت.

من از آن کسانی بودم که هرچه کوشیدم او را دل‌سداری دهم و ثابت کنم که ایرج بدخواه او نبوده است، به جایی نرسید.»

یکی از بدترین پیش‌آمدها در زندگی عارف، کشته شدن یا خودکشی چند تن از دوستان معاشر اوست که عارف سخت بدان‌ها دل‌بستگی داشته است.

سعید نفیسی در این باره می‌نویسد:

«عارف در اثر این پیش‌آمد (خودکشی‌های بی‌درپی) سخت رنجور شده بود. مثل اینکه روزگار می‌خواست که این مرد همواره عزادار باشد.» در این اثنا، دکتر لطفعلی صورتگر، شاعر و استاد دانشگاه در روزنامه «شفق سرخ» مقالاتی با امضای مستعار می‌نویسد و یکی از علل این خودکشی‌ها را اشعار مصیبت‌بار و نومیدکنندهٔ عارف دانسته که بدبینی و بیرازی از زندگی را در ذهن مردم جای می‌دهد.

عارف تصور می‌کند که نویسندهٔ این مقالات مرحوم بهار و محرک آن «وحید دستگردی» است. نتیجهٔ این می‌شود که عارف با سه تن از شاعران معروف همعصر خود، بهار، ایرج و وحید سخت دشمن می‌شود و تا زنده است، هرگز ایشان را نمی‌بخشد!

نگارنده به یاد دارد که سال‌ها پیش هم این موضوع، یعنی خودکشی بعضی از اشخاص را، تحت تأثیر اشعار و نوشته‌های نویسندگانی چون «صادق هدایت» می‌دانستند و این مطلب در بعضی از مطبوعات منعکس می‌شد و من متأسفانه مصداق عینی آن را دربارهٔ یکی از جوانان بسیار با استعداد که برای تحصیل به لندن رفته بود و من با خانوادهٔ او آشنایی و معاشرت داشتم، به چشم دیدم. ادامه دارد

مرزهای جهانگرد

«مرزهای جهانگرد» عنوان دومین مجموعه شعر «صابر سعدی پور» است که توسط انتشارات ماه باران در دسترس دوستداران شعر سپید قرار گرفته است. سعدی پور، پیش از این، مجموعه شعر کاج های لجبار را منتشر کرده بود. مرزهای جهانگرد، در برگزیده شعرهای کوتاه این شاعر است که در ادامه چند شعر از او را با هم می خوانیم:

۱
آزایم همیشه بیماری نیست
گاهی
قدرت این را دارد
پس از سالها
جنگی را
در سربازی
از پا در بیاورد
۲
لو داد
لانه ی تمام پرندگان را
پاییز

۳
همیشه آنچه را که می کارد
درو نمی کند
کشاورز لب مرز

۴
این قدر ناز این بهار را نکشید
دستش به خون هزاران آدم برفی
آلوده است

۵
دوش به دوش ماهی ها
شنا می کند
قوطی کنسرو ماهی



۶
نه

هواشناسی اشتباه می کند
این ها گرد و خاک نیستند
که از کشور همسایه می آیند
اینان سربازانی هستند
که می خواهند
به وطنشان برگردند.

۷

پرنده های سیاه
جوهرهای چکیده ای هستند
پرنده های سیاه
که آرام آرام
در آسمان پخش می شوند
تا شب برسد

تأملی در شعر علامت سؤال، سروده مهدی علیمردی از مجموعه شعر «سایه باد»

بررسی بازی کارگاه - قاتل از منظر مکتب اسلوونی

سامان عبدالرضایی - دکتر مهدی دریایی

پیاده می‌شود؟ / کسی که تمام عکس‌هایش را پاک می کند / دوباره متولد می‌شود؟ / و مرگ / از اعتراف کشتن کدام مان / به گریه خواهد افتاد؟ / پرده به پنجره دل بسته است یا دستی که او را کنار می زند / که خواهش باد را رد می کند؟ / باد صدای سایه‌هاست / سایه‌ها چه چیز را تکرار می‌کنند / و مهمتر آن که / کجا باید دنبال سایه باد گشت؟ / آیا چراغ خیابان / که در روز روشن مانده است / به خورشید شدن فکر می‌کند؟ / آفتاب دیروز / کجای امروز پنهان شده است؟ / راستی درخت‌ها / روزی چند وعده نور می‌خورند؟ / پرنده‌ها وقتی بمیرند / روح شان می‌تواند پرواز کند؟ / لاستیک‌هایی که می‌سوزند / خاطره ی کدام خیابان را به آسمان / پرواز می‌دهند؟ / نقشه آسمان دست کیست؟ / و این دود



خاکستری برخواسته از من / پیراهن کدام باد را / چرک خواهد کرد؟ / کفش‌های پیر / به راه‌های نرفته فکر می‌کنند / که پاره می‌شوند؟ / ماشین‌ها در قبرستان شان / روزی چند خاطره برای هم می‌گویند؟ / و ساعت در خانه سالمندان / چگونه می‌تواند به هوشش پایبند بماند؟ ... آنچه در بالا آمد، مقایسه یک صحنه پردازی ساده با پرداخت همان صحنه با زبان دیگری است. تفاوت‌ها مشهود است. صحنه اول بدون دخل و تصرف شاعرانه و یا آشنایی زدیانه از زبان است و صحنه دوم توصیف شاعرانه و با آشنایی زدیانه همان چیش صحنه است. در بحث مورد ما چه چیزی از طریق طرح سؤال‌هایی شبه کارآگاهانه باعث تمایز و یا تغییر یک صحنه چینی ساده با آنچه در بالا آمده است، می‌شود؟ پاسخ البته از منظر مورد بحث ما کاملاً مشخص است: بازی کارآگاه قاتل. ما صحنه اولمان، صحنه چینی قاتل - مواظب باشید صحنه ی اول را قاتل چیده است - به حساب آورده ایم و پرداخت دوم از آن صحنه را دخل و تصرف کارآگاه از صحنه چینی قاتل. طرح یک سؤال در همین اثنا ضروری می‌نماید: شعر تا به اینجا در مورد چه چیزی حرف می‌زند؟ در مورد همه چیز و در عین حال هیچ چیز. موضوع به اصطلاح اصلی به تعویق می‌افتد و در این مجال - مجال بازی کارآگاه - قاتل فرصت سخن گفتن از همه چیز و در عین حال هیچ چیز فراهم می‌شود، و بعد در ادامه شعر:

درست از همین جا به بعد تنها می‌شویم...

روی این جمله باید مکث بیشتری کرد؛ زیرا به نظر می‌آید که این جمله مفصل دو بخش این نوشته با هم است. جایی است که اتفاق یا حادثه یا ماجرا موقتاً پرچ می‌شود. در واقع بازی کارآگاه موقتاً به نتیجه می‌رسد و بازی کارآگاه موقتاً در جمله پرچ (جمع و ثابت) می‌شود، ولی این پرچ (جمع و ثابت) شدن، چندان به طول نمی‌انجامد. در واقع نویسندۀ در این رویکرد، تنها می‌تواند موقت و برای مدت کوتاهی ماجرا و اتفاق را پرچ (جمع و ثابت شده) کند و نگهدارد. چرا که باز بازی کارآگاه و قاتل ادامه می‌یابد.

... انگار / میان گفت و گو با سؤال‌ها / کسی سیم تلفن را قیچی کند... درست در سطر بعدی، یعنی سطر که الان ذکر شد، باز اتفاق و ماجرا پرچ شده از هم باز می‌شود و در ادامه باز شاهد جملات خالی از بار تخیل بالا، از آن دست که پیش از این در مقاله اشاره کردیم: فرم شناسنامه / فرم مدرسه / فرم دانشگاه / سربازی / ازدواج / و مرگ ..

و این سطر که سطر پایانی شعر است، گویا اشاره به این دارد که مورد به قتل رسیده، یا سوژه حذف شده خود راوی است و همان طور که پیش از این، در این مقاله اشاره کردیم؛ مادامی که بازی کارآگاه و قاتل ادامه داشته باشد و مادامی که موضوع به اصطلاح اصلی و محوری به تعویق بیفتد و مادامی که ما برای توضیح هر چیز مجبور باشیم به سراغ توضیح چیز دیگری برویم و آن چیز دیگر هم غیرقابل توضیح دادن باشد و باز مجبور شویم به سراغ چیز دیگری برویم؛ متن ما ادامه دار و غیر بسته به حساب می‌آید. در شعر علامت "؟" از مهدی علیمردی، به نظر می‌رسد که این امر تا حدودی با موفقیت انجام شده است.

اگر بخواهیم موضوع اصلی را - اگر اساساً چیزی با عنوان موضوع اصلی الان و بعد از مقوله حذف محوری در دریدا وجود داشته باشد - حذف کنیم و نشانه‌ها را حول موضوع حذف شده بچینیم، پا در عرصه هنر مدرن گذاشته و ناگزیر گرفتار ساختارگرایی می‌شویم که در آن ارتباط هر جزء با جزء دیگر و در نهایت حدس موضوع محوری حذف شده در بدترین حالتش و ساختارگرایی که دیگر می‌دانیم مقوله ای بسته است که از قضا تمام بدبختی‌هایمان درون متن و البته بیرون متن از آن است.

اگر بخواهیم مستقیم به سراغ موضوع برویم، در دام سنت گرای محصور می‌شویم که فضای بسته مطلق گرای، نظام مطلق گرای تقسیم جهان به دو بخش خیر و شر، قضاوت مؤلف و دیکتاتوری متن، تنها گوشه ای از معایب آن است. از سوی دیگر، پرداخت مستقیم موضوع یا سوژه در سویی که ما فکر می‌کنیم موضوعی در پس آنها پنهان است و البته سوژه فاعل شناسه در آن تهی می‌شود، از خصوصیات پست مدرن است.

پس ما پیوسته در معرفی دو خطر اصلی در متن ادبی و هنری مان هستیم. نخست در غلطیدن به ساختار گرای در بررسی ارتباط بین نشانه‌ها و اجزا در مدرنیسم و به طور مستقیم سراغ موضوع اصلی رفتن در سنت گرای. پس در این میان، راه چاره و نگاه به اصطلاح معاصر ما چیست؟ پاسخ آن چیزی است که اسلاوی ژیزک از آن به عنوان بازی کارآگاه قاتل یاد می‌کند.

ژیزک بیان می‌دارد که قاتل مدام در صدد برهم زدن ترتیب فعلی ماجراست و همین طور جمله ژیزک را در این مورد فراموش نکنیم که: مواظب باشید همیشه صحنه اول را قاتل چیده است. در نتیجه اگر قاتل درصدد برهم زدن نظم کارآگاه است و کارآگاه درصدد نظم واقعی و خطی دادن به متن خود، کارآگاه نیز در صدد برهم زدن نظم ابتدایی قاتل است و این بدین سان است که متن، عرصه ای بی پایان از بازی قاتل و کارآگاه می‌شود.

در شیوه ای که با استفاده از عقاید اسلاوی ژیزک، فیلسوف و روانکاو مکتب اسلوونی، معرفی کردیم، نمی‌توانیم این نتیجه را بگیریم که در متن هرگز به موضوع اصلی و توپر نخواهیم رسید. چرا که هرگاه کارآگاه در آستانه نزدیک شدن به موضوع به اصطلاح اصلی و توپر کردن آن است؛ قاتل، کارآگاه را از محور یا موضوع اصلی متن که قرار است محور چیزی حول آن شکل بگیرد و متن از یک متن پویا شناور و روباز به یک متن بسته و ایدئولوژیک برسد، دور می‌کند.

مادامی که بازی کارآگاه و قاتل در متن ادامه داشته باشد، متنی باز، شناور و آزاد است و مادامی که با موضوع اصلی و محوری و توپر مواجه باشیم و توخالی بودن موضوع که در مان‌های کارآگاهی قتل به حساب می‌آید، ادامه پیدا کند و حفظ شود؛ ما با بازی کارآگاه قاتل روبه‌رویم. فراموش نکنیم که در داستان‌های کارآگاه معروف آگاتا کریستی، پوارو در آخر هر فصل مدام با عذاب وجدانی روبرو است که محرک آغاز کشف ماجرای بعدی می‌شود و از اینرو ماجراهای پوارو هیچ وقت به طور کامل بسته نمی‌شود و مدام ادامه دارند. از منظر یاد شده به تحلیل یکی از شعرهای آقای مهدی علیمردی از مجموعه شعر "سایه باد" انتشارات انیما، چاپ اول ۱۳۹۶، می‌پردازیم؛ شعری با نام "؟"

این شعر به شکل طرح سؤال آغاز می‌شود و به شکل همان طرح سوال نیز ادامه پیدا می‌کند:

«صحنه البته چیده شده است: درختی خشک جوانه زده است / رودخانه ای به دریا می‌ریزد / باران می‌بارد و برف / مسافری در قطار می‌میرد / کسی تمام عکس‌هایش را پاک می‌کند / پرده‌ای بر پنجره است / دستی پرده را کنار می‌زند / سایه‌ها چیزی را پنهان می‌کنند / چراغ خیابان در روز روشن مانده است / لاستیک‌هایی می‌سوزند و دود می‌کنند / ماشین‌ها در قبرستان ماشین‌ها هستند».

این طراحی صحنه ماسست که به واسطه صحنه‌هایی مثل قتل در قطار که بی ربط نیست که ذهن را در رابطه ای بینا متنی به قتل در قطار سریع‌السیر شرق نوشته آگاتا کریستی ببرد، و صحنه‌های دیگری مثل پاک شدن عکس‌ها، کنار رفتن مرموز پرده از پنجره توسط دستی ناشناس، وجود سایه‌هایی از اجسام نامعلوم، ذهن ما را به تصور صحنه‌های قتل و رمان‌های کارآگاهی و صحنه‌های فیلم نوار هم می‌کشاند.

اما چه چیز به این تصویرها منظری دیگر می‌دهد که البته به خاطر استفاده از ترکیب تصاویر یا نگاه‌های شاعرانه برای آنها اکراه داریم. پاسخ را باید در تلقین ورود کارآگاه به متن و شباهتش با طرح پرسش‌های مرسوم کارآگاه در رمان‌های کارآگاهی و راه افتادن گستره بازی کارآگاه قاتل جستجو کنیم. حضور تمثیلی کارآگاه و راه افتادن بازی یا رابطه کارآگاه قاتل به این صحنه‌ها بعدی دیگر می‌دهد. حال چیش صحنه‌ها را یک بار دیگر با حضور و دخالت کارآگاه بررسی می‌کنیم:

درختی خشک که جوانه می‌زند / در کما چه چیز دیده است؟ / رودخانه اگر از کوه سرازیر شود / حاضر است باز در دریا / زندانی شود یا نه؟ و باران / درد بیشتری از به زمین خوردن می‌کشد / یا برف؟ / مسافری که در قطار می‌میرد / دست آخر روحش / در کدام ایستگاه

توضیح شرکت آب و فاضلاب

در دو شماره پیش ضمیمهٔ ادب و هنر (سه شنبه ۱۴ فروردین ۹۷)، مطلبی با عنوان «جمع آوری کنتور آب مدارس به دلیل بدهی!» (به قلم وحید حاج سعیدی) در همین صفحه «طنزستان» چاپ شد که واکنش شرکت آب و فاضلاب استان گلستان را به دنبال داشت. عزیزان روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب شهری استان گلستان، محبت کردند و توضیحاتی در خصوص موضوع مطرح شده در آن مطلب مندرج ارائه دادند که از طریق سرپرستی محترم روزنامه اطلاعات در استان گلستان به دست ما رسیده است و ذیلاً از نظر گذراننده می شود:

«با سلام. احتراماً در پاسخ به مطلبی با عنوان "جمع آوری کنتور آب مدارس به دلیل بدهی!" مندرج در صفحه ۷ ضمیمه ادب و هنر (شماره ۴۴۲) روزنامه اطلاعات مورخه ۱۴ فروردین ۹۷ خواهشمند است جوابیه زیر را مطابق با قانون مطبوعات منتشر فرمایید. از همکاری آن روزنامه وزین سپاسگزاریم.

مطلبی که نگارنده برای روزنامه اطلاعات فرستاده و برگرفته از اخبار برخی کانال های تلگرامی است که بدون تحقیق درباره صحت و سقم و چگونگی واقعه منتشر شده و نگارنده نیز براساس آن فرضیات خود را به رشته تحریر درآورده بدون آنکه قبل از آن از مسئولان ذریبط پرس و جو کرده باشد.

اما اصل ماجرا چیست؟

در اواخر بهمن ماه، مأمور اداره آب و فاضلاب شهری علی آباد کنول، پس از بارها مراجعه و درخواست برای پرداخت آب بها به علت عدم پرداخت آن برای اعمال قانون مراجعه کرده بود که با الفاظ غیراخلاقی مدیر مدرسه مواجه شده بود.

تأسف از آن جهت بیشتر می شود که مدیریت مدرسه که وظیفه تربیت اسلامی و اخلاقی فرزندان عزیز این منطقه را به عهده دارد، با رفتار و گفتار ناشایست با مأمور قانونی شرکت آب و فاضلاب شهری برخورد کرده که از یک مدیر فرهنگی بسیار بعید بود. با وجود این رفتار نادرست، مأمور آب به خاطر حرمت نهادن به مدرسه به عنوان یک مرکز فرهنگی و نیز معلمان عزیز و دانش آموزان گرامی، چند دقیقه بعد با وساطت یکی از معلمان، کنتور آب را وصل کرده است و شاید طول زمان قطعی آب، به کمتر از ۵ دقیقه هم نمی رسد.

از سوی دیگر، شرکت آب و فاضلاب گلستان به رغم مشکلات عدیده مالی، سعی کرده به روند تأمین آب شرب شهروندان خللی وارد نشود. همچنین به رغم این مشکلات، بیشترین تعامل و همکاری را با نهادهای آموزشی و عمومی داشته است و در هیچ مدرسه و نهاد آموزشی شاهد قطع آب نبوده ایم.

پس از آن نیز مسئولان آموزش و پرورش شهرستان علی آباد و مدرسه مذکور با دلجویی از مأمور مربوطه و نیز شرکت آب و فاضلاب کل، مساله ختم به خیر شده است. این که پس از گذشت نزدیک به دو ماه، دوباره این مساله در روزنامه وزین اطلاعات، آنهم به صورت مخدوش و غیرصحيح، انتشار یافته، جای سؤال است.»



جمع آوری کنتور آب مدارس به دلیل بدهی!

از بحث و تبادل نظرات کارشناسی در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۶ هر دو تصویب مجلس قرار گرفت. چار کوچکیزاد در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم اظهار کرد: با تصویب نمایندگان در صحن علنی مجلس تمام مدارس از جمله مدارس دولتی و غیردولتی از پرداخت هزینه های آب، برق و گاز تا سقف الگوی مصرف معاف شدند. وی افزود: وزاری آموزش و پرورش، نفت و نیرو در جلسه مشترک سطح الگوی مصرف را تعیین خواهند کرد اما اگر مدرسه ای خارج از الگوی مصرف اقدام کند باید تمام هزینه های آن ماه را بپردازد (خبرگزاری تسنیم - ۲۵ بهمن ۹۷)

روایع دولتمردان و نمایندگان مجلس با مشاهده معضلات و گرفتاری های مدارس این تصمیم منطقی را اتخاذ نموده تا باری از دوش مدیران مدارس برداشته شود و بیشتر به امور تدریسی و تحصیلی بجه بپردازند.

اما آنچه این هفته در شهرستان علی آباد کنول رخ داد نشان دهنده عدم روی کارهای دولتمردان و نمایندگان در حل مشکلات و معضلات اجتماعی و اقتصادی، به شیوه منطقی و مسئولانه، ظاهر نوع نگاه ها و تصمیمات برخی مدیران شهرستانی است. نمایندگان و دولتمردان و سیاست های کلان کشور نفوذت های اساسی و مادی دارد و نهاد برخورد تهریه را خوشر از تعامل و مدارا و رعایت اصول اخلاقی و انسانی در دسته می کنند.

قطع آب و جمع آوری کنتور آب مدرسه بدون اطلاع رسانی به مدیر و عوامل اجرایی مدرسه و در حالیکه تعدادی از دانش آموزان در حال استفاده از سرویس بهداشتی مدرسه بودند، با هیچ کدام از اصول انسانی و اخلاقی همپوشانی ندارد و هیچ دلیل و برهانی حتی بزرگتر از بدهی به اداره آب، این حرکت عجیب و غریب را توجیه نمی کند. بدون شک اجرای مقررات و انجم وظایف بر اساس دستور العمل ها و بخشنامه ها امری استاندارد و قانونی است ولی در هیچ کدام از این بخشنامه ها قطع آب مدرسه و جمع آوری کنتور در زمان استفاده دانش آموزان از سرویس بهداشتی به در توجیه نمی رود.

روایع ناآرامی های کنتور آب و توجیه مالی سرسراش مملکت و گشود بوجه و سرانه مدارس را نباید مدیر مدرسه یا دانش آموزانی پرداخت کنند که تنها برای کسب علم و یادگیری رفتار های پسندیده اجتماعی پای به مدرسه گذاشته اند.

هر چند بعد از رسانه ای شدن موضوع در عصر همان روز کنتور آب مدرسه دوباره نصب شد و انتشار آب مدرسه برقرار شد ولی افکار عمومی به ویژه اهالی خانواده بزرگ آموزش و پرورش کاملاً منتظر طفر خواهی مسئول اداره آب و فاضلاب و توضیح درباره این رفتار غیر مسئولانه می مانند.

ماده است: «مدیریتی که در منطقه در دستور کار قرار دارد مسئولیت دارد و در صورت بروز نقض و سرایت رسانه ها و خبرنگاران، متعاضات علیه ای از مسئولان بر این بازوند که خبرنگار کل از انتشار اخبار باید از اداره مورد نظر کسب تکلیف کند که این موضوع به طور ختم استقلال و بی طرفی رسانه ها را زیر سؤال می برد فلذا توصیه می شود دولتمردان در وهله اول هر انتقادی را مصداق تحریک بر نشمارند و در گام بعدی قبل از تلاش برای نوشتن جوابیه، تکذیبیه اصلاحیه و یا حتی شکواییه، دستور نقض و رسالت رسانه ها را مورد مذاقه قرار دهند و به جای فرافکنی و تکذیب آنچه اظهار من شناس است، با اهل فن مشورت کنند تا در داد و بردبار محرم و سایر نهاد های نظارتی شهرستان نیز بر عملکرد مدیران شهری نظارت بیشتری داشته باشند تا خدای ناکرده در آینده شاهد بروز چنین کج سلیقه ها و اشتباهات فاحش که به نوعی زیر سؤال بردن عملکرد و سایر خدمات دولت است، نباشیم.



مأموران اداره آب و فاضلاب شهرستان علی آبادکنول در هفته ای که گذشت، در یک غیر مسئولانه و بدون اطلاع مدیریت و عوامل اجرایی مدرسه، اقدام به قطع آب و جمع آوری کنتور آب هنرستان تربیت بدنی شهرستان علی آباد کنول نمودند. این در حالی بود که تعدادی از دانش آموزان در حال استفاده از سرویس بهداشتی مدرسه بودند!

هر چند بعد از رسانه ای شدن موضوع در عصر همان روز کنتور آب مدرسه دوباره نصب شد و انتشار آب مدرسه برقرار شد ولی افکار عمومی به ویژه اهالی خانواده بزرگ آموزش و پرورش کاملاً منتظر طفر خواهی مسئول اداره آب و فاضلاب و توضیح درباره این رفتار غیر مسئولانه می مانند.

ماده است: «مدیریتی که در منطقه در دستور کار قرار دارد مسئولیت دارد و در صورت بروز نقض و سرایت رسانه ها و خبرنگاران، متعاضات علیه ای از مسئولان بر این بازوند که خبرنگار کل از انتشار اخبار باید از اداره مورد نظر کسب تکلیف کند که این موضوع به طور ختم استقلال و بی طرفی رسانه ها را زیر سؤال می برد فلذا توصیه می شود دولتمردان در وهله اول هر انتقادی را مصداق تحریک بر نشمارند و در گام بعدی قبل از تلاش برای نوشتن جوابیه، تکذیبیه اصلاحیه و یا حتی شکواییه، دستور نقض و رسالت رسانه ها را مورد مذاقه قرار دهند و به جای فرافکنی و تکذیب آنچه اظهار من شناس است، با اهل فن مشورت کنند تا در داد و بردبار محرم و سایر نهاد های نظارتی شهرستان نیز بر عملکرد مدیران شهری نظارت بیشتری داشته باشند تا خدای ناکرده در آینده شاهد بروز چنین کج سلیقه ها و اشتباهات فاحش که به نوعی زیر سؤال بردن عملکرد و سایر خدمات دولت است، نباشیم.



سید علی میر افشاری

مقدمه ای بر کتاب شعر طنز «شاخنامه» از مسلم حسن شاهی

گردگیری از حقایق از یادرفته

شاعران در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، به این حرکت، سر و سامان بهتری داده است. طنز سروده های مسلم حسن شاهی، در همین بستر رشد یافته و اکنون به آن غنایی رسیده که او را به یکی از چهره های با آتیه طنز دیار کریمان تبدیل کرده است.

اگر بخواهم به زمینه رشد این نوع طنز اشاره ای داشته باشم، باید از چهره هایی همچون حمید نیک نفس و مهدی جهان بخش یاد کنم که به طنز رفسنجان و کرمان وجهه خاصی بخشیده اند.

طنز حسن شاهی، علاوه بر جریانی که گفتم، وام دار فرهنگ شفاهی مردم منطقه راوین، زادگاه شاعر هم هست که غنای طنز در گفتار روزمره مردم آن سامان در حوزه رفسنجان مثال زدنی است.

هم از این جهت است که عنصر طنز در شعرهای او ذاتی است و بدون تکلف و تصنع، بر کلام او جاری می شود.

طنز حسن شاهی، اغلب سمت و سوی اجتماعی دارد و متأثر از وقایع سیاسی و اجتماعی دهه اخیر است و بازتاب خوبی از سرگذشت انسان ایرانی در سپهر سیاسی که در آن می زید به دست می دهد و البته، در این آیینگی، پیم آن هست که با تغییر فضاها و موضوعات، تأثیرگذاری خود را از دست بدهد. چرا که اغلب این نوع شعرها، انرژی خود را از موقعیت هایی می گیرد که حاضران در آن، به درک روشنی از اجزای آن رسیده اند و ممکن است برای آیندگان، با زایل شدن آن حس و حالاها و فراموش شدن ارجاعات درون متنی، آن لذت پیشین را نداشته باشد.

باری، دفتر حاضر، به عنوان نخستین دفتر شعر مسلم حسن شاهی، مجموعه ای منسجم و نسبتاً یک دست است و البته، طنزهای بهتری هم از شاعر این شعرها خوانده و شنیده ایم که جای شان در این دفتر خالی است.

امیدوارم شروع امیدوارکننده حسن شاهی، به تجربه های از این دست، منحصر و متوقف نماند و به گردگیری از حقایق از یادرفته، و کشف ناهماهنگی های انسان و اجتماع، و سفر به اعماق روح بشر و نمایندادن تناقض های آن منجر گردد.

گفتنی است که مسلم حسن شاهی، جوانی متولد ۱۳۵۷ است و کتاب شاخنامه او از سوی انتشارات فصل پنجم در سال گذشته (۱۳۹۶) روانه بازار آثار مکتوب طنز شده است. و مایه تأسف که یک کتاب شیرین طنز در مملکت ما باید در هزار نسخه انتشار یابد. یعنی حتی به خرید اقوام و فامیل خود آدم (در اینجا شاعر طنز!) اعتمادی نیست که پول خرج کنند! حسن ختام را، یک شعر طنز از این دفتر را با هم می خوانیم و می خندیم:

می توان بی جا توقف کرد و مُرد
یک جو از قانون تخلف کرد و مرد
می توان یک سال بعد از مرگ هم
سخت ابراز تأسف کرد و مرد!
برق را وقتی ادیسون کشف کرد
شمع را پروانه های پُف کرد و مرد
کی پدر فرزند خود را می کشد؟
نوشدارو را پسر تف کرد و مرد
هیچ کس کاری به کار او نداشت
شاعری با خود تصادف کرد و مرد!

طنز یعنی درک ناهماهنگی؛ و کار طنزپرداز، آشکار کردن این ناهماهنگی هاست. ناهماهنگی هایی که در چالشش میان عادات مألوف و توقعات طبق معمول ما، با رویدادهای پیش بینی نشده ای که طنز راوی آن است شکل می گیرد.

در واقع، طنز تضاد و تقابلی جدی است با انتظارات ما؛ و نوعی «خلاف آمد عادت». آشنایی زدایی، یکی از اصلی ترین شگردهایی است که طنز از آن بهره می گیرد. به همین دلیل، تجربه طنز، تا این حد باعث غافلگیری و اعجاب مخاطب می شود.

طنز، گردگیری از حقیقتی است که فراموش کرده ایم و از آن غافل مانده ایم. نفس گرمی است که بر آیین های غبار گرفته می دمیم تا تصویر واقعی خود را در آن بنگریم. ذره بینی است بر زشتی ها و پلشتی های رفتارهای اجتماعی ما؛ و نقص ها و ناتوانی های بشری؛ و چرک ها و چروک های روان آدمی.

و همه این ها، از آن جهت است که با کمک اغراق و بزرگ نمایی، حال مان از ناراستی ها و نادرستی های اعمال مان به هم بخورد و در ارتکاب مجدد آنها پای مان بلرزد. پس، غایت و غرض طنز، اصلاحگری است و گوشزد کردن کژروی ها و بدخواهی ها.



طنز، به نیش و نوش درآمیخته است و به همین قیاس، مراتبی دارد و درجاتی: طنز شیرین و طنز تلخ، طنز رنگین و طنز سیاه. نوش طنز، مربوط به هزل است و مطایبه و فکاهه؛ و نیش آن، شامل هجو است و طعنه و طنز، و صدا البته، آنچه طنز می نامیم و می دانیم، بیش از آن که کام مان را شیرین کند، در آن زهر می چکاند. چرا که باز نمودن ناهماهنگی ها و برهم زدن نظم و عادت مألوف، عموماً باعث تلخی اوقات می شود.

به گمان من، عمر طنز شیرین و رنگین و نوش خندها و شادکامی هایی که بر آن مترتب است، ناپایدار است و کوتاه و در مقابل، ژرفا و ضریب نفوذ و پایداری طنز سیاه و تلخ و زهر خندهایی که بر لب می نشاند، بسی بیشتر.

تاریخ طنز مکتوب و به ویژه شعر طنز در دیار کرمان، تاریخ چندان پر ورق نیست که بتوان از آن رساله ای یا کتابی مستقل پرداخت و تنها در سد اخیر است که آثاری جدی در این عرصه پدید آمده است.

کتاب حاضر، مجموعه ای است از طنز سروده های مسلم حسن شاهی که در سه چهار سال گذشته، حضور با برکتی در عرصه طنز کرمان داشته است. طنز کرمان حدود یک دهه است که حرکت جدی خود را آغاز کرده و برپایی شب های شعر طنز خارستان در کرمان و ادور در شهر بابک و انتشار نشریاتی همچون قینوس و آفتاب گردان و گاهنامه طنز دولخ و اختصاص ضمایم هفته نامه های محلی با صفحات اختصاصی به طنز نوشتاری و حضور مؤثر

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۵۷ (برابر با ۹ جمادی الاول ۱۳۹۸، ۱۷ آوریل ۱۹۷۸) نقل شده است

مذاکرات والترشل در تهران

والترشل رئیس جمهوری آلمان فدرال روز جمعه آینده (اول اردی بهشت) برای یک دیدار رسمی سه روزه وارد تهران می شود. رادیو کلن در تفسیری پیرامون سفر پرزیدنت والترشل به ایران گفت: سفر والترشل برای آلمان فدرال دارای اهمیت خاصی است زیرا ایران بزرگترین خریدار کالاهای صنعتی آلمان فدرال است.

رادیو کلن گفت سفر شل از لحاظ سیاست خارجی آلمان نیز حائز اهمیت است این سفر رشد فعالیت سیاسی آلمان را در منطقه نشان می دهد.

ایران بیش از هر کشوری در آمریکا دانشجو دارد

نیویورک - آسوشیتدپرس: آخر وقت امروز اعلام شد که عده ای دانشجویان خارجی در کالج ها و دانشگاه های آمریکا از دویست هزار تن تجاوز کرده است این عده از صد و پنجاه کشور جهان به آمریکا رفته اند و عده دانشجویان ایرانی بیش از سایر دانشجویان خارجی در آمریکا است.

در آمار رسمی که انتشار یافته است عده ای دانشجویان ایرانی مدارس عالی در آمریکا را کمی بیش از ۲۳ هزار تن یعنی ۱۱/۵ درصد کل دانشجویان خارجی آمریکان نشان میدهد.

در این آمار ایرانیانی که در دبیرستانها و دبستانهای آمریکا تحصیل میکنند به حساب نیامده اند.

عزیمت وزیر خارجه ایران به لندن

عباسعلی خلعبتیری وزیر امور خارجه برای شرکت در اجلاس شورای وزیران سنتو عازم لندن شد. در این اجلاس، وزیران خارجه ایران - ترکیه - پاکستان - انگلیس و آمریکا مسائل نظامی و اقتصادی منطقه را مورد بررسی قرار میدهند.

کنفرانس وزیران خارجه سنتو قرار بود در واشنگتن تشکیل شود ولی وزیران خارجه محل کنفرانس را به لندن منتقل کردند.

شایع شده بود که پاکستان در این جلسه شورای وزیران خروج خود را از سنتو اعلام میکند. ولی این شایعه تکذیب شد.

طرح حکم اعدام بوتو در مذاکره پاکستان و عربستان

ضیاء الحق رئیس حکومت نظامی پاکستان برای یک دیدار چند روزه به عربستان سعودی سفر کرده است و هم اکنون مذاکراتی را با ملک خالد پادشاه و امیر فهد ولیعهد آن کشور ادامه میدهد.

این سفر اولین سفر ضیاء الحق بعد از صدور رای اعدام بوتو است، رای اعدام بوتو نه تنها هیجان وسیعی را در داخل پاکستان برانگیخت، بلکه موجب شد که تمام کشورهای جهان بخصوص کشورهای بزرگ و کشورهای همسایه به این رای اعتراض کنند و از رئیس حکومت نظامی پاکستان بخواهند که آنرا کانلم یکن تلقی کند.

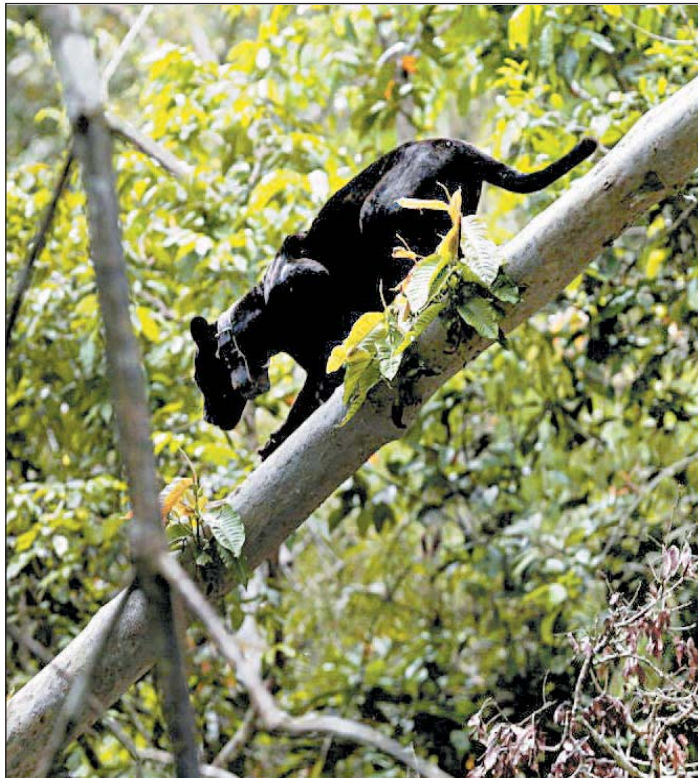
در حال حاضر ضیاء الحق خود را قانوناً نسبت به رای بی نظر و بی ارتباط میداند و مدعی است که رای هنوز در مراحل رسیدگی است اما این امر مانع آن نیست که در همین سفر مسئله اعدام بوتو بین عربستان و پاکستان مطرح نگردد.

قیمت عادلانه خرید زمین هر سال اعلام میشود

لایحه جلوگیری از افزایش نامتناسب بهای زمین امروز در کمیسیون مشترک مسکن و شهرسازی و کشور مجلس سنا مورد بررسی قرار گرفت و نظریات جدیدی از سوی اعضای این کمیسیون مطرح شد.

بر اساس آخرین تغییری که در کمیسیون مشترک دارائی و دادگستری مجلس سنا در لایحه مذکور داده شد، اگر این تغییر مورد تصویب نهائی مجلسین نیز قرار بگیرد قیمت عادلانه زمین از سال آینده در محدوده شهرها و شهرکها و حریم آنها و مناطقی که دولت اعلام خواهد کرد بوسیله کمیسیونهای قانونی ویژه ای تعیین خواهد شد و قیمت زمین در آغاز هر سال مانند قیمت معاملاتی که همه ساله از سوی وزارت امور اقتصادی و دارائی اعلام میشود باطلاح عموم خواهد رسید.

قاپ امروز



پناه بردن پلنگ های برزیلی از دست شکار چیان به بالای درختان/مهر

سرایه

ای در سر زلف تو پریشانی ها
واندر لب لعلت شگرافشانی ها
گفتی ز فراق ما پشیمان گشتی
ای جان چه پشیمان که پشیمانی ها
مولوی

پند بزرگان

میان آدمیان چیزی نیست جز دیوار هایی که
خود ساخته اند.
تولستوی
انسان های خوشبین و بدبین هر دو برای
جامعه مفیدند. خوشبین هواپیما را اختراع
می کند و بدبین چتر نجات را.
برناردشاو

امروز در تاریخ

روزی که آشوریان شهر شوش را ویران کردند

اپریل سال ۶۹۳ پیش از میلاد و پیش از تاسیس یک دولت واحد در ایران، ارتش آشور بانیپال (حکمران مناطقی در شرق مدیترانه به پایتختی نینوا - موصل - در شمال عراق امروز) شهر شوش را متصرف شد و ویران ساخت. دولت همدان [دولت طایفه ایرانی ماد که این طایفه در آن زمان ساکن مناطقی از محورری در جهت غرب ایرانزمین بود] چند دهه بعد با کمک دولت بابل (به مرکزیت جنوب عراق امروز)، دولت ستمگر آشور را که به صورت یک امپراتوری درآمده بود برانداختند و از صفحه روزگار پاک کردند.

دولت همدان سپس چند گروه ایرانی [از طایفه ماد] را به سرزمین آشور منتقل کرد و در آنجا سکنی داد تا مانع احیاء آن دولت ستمگر شوند و کردهای عراق، ترکیه و سوریه فرزندان همان مادها هستند که فرهنگ ایرانی خود را همچنان حفظ کرده اند. شوش در دوران هخامنشیان بازسازی و پایتخت اداری و زمستانی ایران شد و کاخ آپادانا در آن بنا گردید. شهر شوش در ۱۱۰ کیلومتری شمال اهواز و ۲۸۰ کیلومتری جنوب خرم آباد قرار دارد.

اعتصاب پلیس تهران در سال ۱۳۰۱

اعتصاب افراد پلیس تهران (اداره نظمیه) به سبب عقب افتادن مواجب ماهانه، از ۲۸ فروردین ۱۳۰۱ آغاز شد و تا دریافت قسمتی از آن ادامه یافت. در طول اعتصاب، سربازان مستقر در باغ شاه (امروز: یادگان حر) مأمور حفظ نظم شهر شده بودند ولی حق رسیدگی به شکایات عادی و روزمره را نداشتند، یعنی وظیفه ضابط قوه قضایی بودن پلیس به آنان واگذار نشده بود.

مشاجره دکتر مصدق و انگلستان بر سر بحرین

دولت دکتر مصدق ۲۸ فروردین سال ۱۳۳۱ نسبت به دیدار مشاور امور خارجی دولت انگلستان از بحرین شدیداً اعتراض کرد و این عمل را مداخله در امور ایران اعلام داشت.

شورش مسلحانه ایل قشقایی

۲۸ فروردین ۱۳۴۳ در تهران اعلام شد که ایل قشقایی بر دامنه مخالفت خود با اصلاحات ارضی افزوده و افراد مسلح این ایل همزمان به چند پاسگاه انتظامی در فیروزآباد فارس حمله برده و در جریان این تعرض، تلفاتی وارد آمده است. اعلامیه دولت وقت (دولت حسنعلی منصور) حکایت داشت که برای تنبیه این افراد، از تهران نیروی کمکی و از جمله هنگ چهارم ژاندارم با ۱۲ زره پوش به محل اعزام شده است.

www.iranianshistoryontheday.com

سودوکو

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۳ | | ۲ | ۱ | | |
| | ۱ | ۴ | | ۹ | ۶ | | ۲ |
| ۶ | | | | ۴ | ۵ | | ۳ |
| | | | ۴ | | ۷ | | ۱ |
| | | | | | | | |
| ۲ | | ۱ | ۸ | | | | |
| ۱ | | ۵ | ۷ | | | | ۸ |
| ۹ | | ۶ | | ۳ | ۱ | ۲ | |
| | ۲ | | ۱ | | ۹ | | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۳ | ۸ | ۲ | ۷ | ۵ | ۹ | ۴ | ۱ |
| ۹ | ۴ | ۱ | ۶ | ۳ | ۸ | ۲ | ۷ | ۵ |
| ۲ | ۷ | ۵ | ۹ | ۴ | ۱ | ۶ | ۳ | ۸ |
| ۸ | ۶ | ۳ | ۵ | ۱ | ۲ | ۷ | ۹ | ۴ |
| ۷ | ۲ | ۹ | ۸ | ۶ | ۴ | ۵ | ۱ | ۳ |
| ۵ | ۱ | ۴ | ۳ | ۹ | ۷ | ۸ | ۶ | ۲ |
| ۴ | ۸ | ۶ | ۷ | ۵ | ۳ | ۱ | ۲ | ۹ |
| ۳ | ۹ | ۲ | ۱ | ۸ | ۶ | ۴ | ۵ | ۷ |
| ۱ | ۵ | ۷ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۸ | ۶ |

حل ۲۱۶۲

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

| اسباب سفر | کتابی از شپید مطهری | علف خوردن دام پسوند همشهری | بدن فصل آغازین | یار کلنگ | نیم پورگن کلوب |
|------------------|---------------------|----------------------------|----------------|-------------------|----------------|
| ب | | | | لغظه | |
| استخوان کف | | | | مردمی کشور آفریقا | |
| | بسیار گرم | | | نمایندگان روزگارا | و |
| عامل وراثت | | نقاش فرانسوی | | | |
| کارتن باز نشده | | غلط گیر اداری | | | |
| | | دسته و گروه | | | |
| مرکز کردهایی | | زن بابا | | | |
| آباد | | عشق بیگانه | | | |
| | نوعی دسر | | | | |
| پزشکی | دریوزه | تسمه و بند چرمی | | | |
| M | | | | | |
| | | | | | |
| پیروی کردن | | | | | |
| بی جنبی | | | | | |
| | | | | | |
| از صفات پارتهالی | | | | | |
| رنگ آسمان | | | | | |

حل

۴۶۷۵